

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
A Comparative Assessment of the Rhythms of Public
Life in Leicester Square and Times Square
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

ارزیابی تطبیقی ضرباهنگ‌های زندگی همگانی در میدان لستر و میدان تایمز*

سعید یدالهی^۱، کامران ذکاوت^۱

۱. گروه برنامه‌ریزی و طراحی شهری و منطقه‌ای، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۱/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۰۷

چکیده

بیان مسئله: در مطالعات مربوط به محتوای اجتماعی عرصه‌های عمومی، دو بینش متفاوت مطرح است: نخست، رویکردی که بر شباهت الگوهای رفتاری تکرار شونده میدان‌ها تأکید دارد و دوم، رویکردی که با تمرکز بر پیچیدگی و بی‌نظمی زندگی همگانی، الگوهای رفتاری را غیر تکراری و وابسته به زمینه تلقی می‌کند. **هدف پژوهش:** این پژوهش با تلفیق دو دیدگاه فوق‌الذکر از یک سو در پی آن است مؤلفه‌ها و عوامل مؤثر در ضرباهنگ‌های عام زندگی همگانی (الگوهای رفتاری عام) را شناسایی و آن‌ها را در دو فضای عمومی نمادین - میدان لستر و میدان تایمز - بررسی کند و از سوی دیگر، تفاوت‌ها در کیفیت تحقق برخی از الگوهای کلیدی فعالیت در این فضاها را تحلیل کند.

روش پژوهش: روش تحقیق توصیفی با رویکرد تطبیقی است. بدین معنا که ابتدا به صورت توصیفی، مؤلفه‌ها و عوامل مؤثر در ضرباهنگ‌های زندگی همگانی استخراج شدند و سپس با رویکرد تطبیقی، دو میدان لستر و تایمز ارزیابی و مقایسه شدند. در این راستا، داده‌ها از طریق مطالعات کتابخانه‌ای - اسنادی و آرشو تصاویر آژانس‌های فیلم و عکس گردآوری شدند؛ در مرحله تحلیل، در چارچوب روش‌های کیفی، از تکنیک‌های ردگیری در عکس و فیلم، کدگذاری بر اساس نوع و مکان وقوع فعالیت‌ها و تبدیل به نقشه کردن از طریق شناسایی الگوهای رفتاری تکرار شونده توسط شمارش بسامد فعالیت‌ها، استفاده شد.

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش نشان می‌دهد که هر دو میدان، تاحدی با ویژگی‌های عرصه‌های عمومی حضور پذیر، سرزنده و سورانگیز هم‌خوانی دارند؛ با این حال، کیفیت بروز این ویژگی‌ها متفاوت است. میدان لستر در بُعد سورانگیزی، به واسطهٔ اجراهای هنری خیابانی خودانگیخته، ضرباهنگ‌هایی پویا و متنوع دارد؛ در حالی که اجراهای هنری خیابانی در میدان تایمز عمدتاً ماهیتی برنامه‌ریزی شده دارند که نشان‌دهندهٔ ضرباهنگ‌هایی محدودتر و تحت کنترل‌تر در تجربهٔ سورانگیزی آن است.

واژگان کلیدی: حضور پذیری، سرزندگی، سورانگیزی، زندگی همگانی، عرصه عمومی.

(Norberg-Schulz, 1974; Relph, 1976; Canter, 1977)

موجب توجه به مؤلفه‌های «معنایی» و «اجتماعی» عرصه عمومی در کنار مؤلفه‌های فرم و عملکرد می‌شود. باین وجود پژوهش‌هایی در زمینه (محتوای اجتماعی) فضای عمومی تا اواخر دههٔ ۸۰ نسبتاً کمیاب است و تا حد زیادی کماکان به‌عنوان یک موضوع طراحی شناخته می‌شود (Mitchell, 2017). اما در دمام قرن ۲۱ پژوهش‌هایی تجربی بر مزایای مردم و محتوای اجتماعی عرصه عمومی، به‌عنوان بستر شکل‌گیری زندگی و فعالیت‌های جمعی انسان‌ها پدیدار شد (Madanipour, 1996; Gehl, 2001; Woolley, 2003). این پارادایم شیفت، فوکوس روی زندگی عمومی به‌جای

مقدمه و بیان مسئله

هم‌زمانی سخن از اُفت کیفیت و حتی مرگ فضاهاى جمعی در برنامه‌ریزی شهری مدرنیستی (Jacobs, 1961)، با جریان‌های فکری که با فلسفه و روانشناسی محیطی به تبیین تجربه و معنای ادراک‌شدهٔ انسان از فضا در قالب مفهوم «مکان» می‌پردازد و مکان را کانون اصلی شکل‌گیری روابط عمیق احساسی و فیزیکی میان انسان‌ها می‌دانستند

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامهٔ کارشناسی‌ارشد «سعید یدالهی» با عنوان «راهنمای طراحی نظام عرصه‌های عمومی با محوریت معاصر سازی (بازآفرینی) فعالیت‌های آیینی» است که به راهنمایی دکتر «کامران ذکاوت» در سال ۱۴۰۰ در دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی تهران به انجام رسیده است.
** نویسندهٔ مسئول: ۰۹۱۹۲۹۸۷۱۹@yadolahi@alumni.sbu.ac.ir

درعین ایفای نقش به‌عنوان بستر زندگی همگانی، زیر فشار منافع تجاری، فراغتی و گردشگری نیز قرار دارند؛ وضعیتی که تنش‌ها و پیچیدگی‌های کارکردهای دوگانه فضاهای عمومی در کلان‌شهرهای معاصر را به‌خوبی نمایان می‌سازد. بنابراین، پژوهش پاسخ به سه سؤال اصلی را دنبال می‌کند:

- چارچوب مفهومی ضرباهنگ‌های عام زندگی همگانی چیست؟
- ضرباهنگ‌های عام دو فضای عمومی نمادین: میدان لستر تایمز، براساس چارچوب تدوین شده چگونه است؟
- کیفیت تحقق الگوهای رفتاری کلیدی در این فضاها چه تفاوتی می‌کنند؟

مبانی نظری

• نظم زندگی همگانی

برای پژوهشگران شهری، رفتار توده غریبه‌ها با یک‌دیگر در فضاهای عمومی شهر (بعد از انقلاب صنعتی) نشان از «بی تفاوتی غیرانسانی» داشته است. اما با تکامل یافتن زندگی در شهرها و بهبود شرایط عمومی، تفسیر و تعریف توده و جمعیت در شهر متحول شده است (Madanipour, 2003). طوری که نظم حاصل از توافق غریبه‌ها بر این که با هم درگیری نداشته باشند، به‌شکل یک نمایش که در آن همه عابران نقشی را بازی می‌کنند و گویی در یک «باله باشکوه» شرکت دارند، بیان شده است. در این باله هریک از آنان اگرچه تک‌بازیگر هستند، اما به‌شکل معجزه‌آسا و شگفت‌انگیزی برای ایجاد «یک نظم فراگیر» یک‌دیگر را پشتیبانی می‌کنند (Jacobs, 1961). برای این نظم مکان^۱، اصطلاح «باله مکان»^۲ نیز به کار رفته است (Seamon, 1979). هم‌چنین رفتار انسان‌ها در جمع هم‌چون نوعی «اجرا» دانسته شده است، در یک «تلاش هماهنگ» با «قوانین ناگفته». نشانه‌های غیرکلامی هم‌چون وضعیت بدنی، تماس چشمی و فضای شخصی، به‌عنوان سیگنال‌هایی از جانب افراد به دیگران در مورد نیات و نحوه تعامل آن‌ها عمل می‌کنند تا هماهنگی شکل بگیرد و در مقیاس بالاتر قوانین ناگفته کمک می‌کند افراد از موقعیت‌های ناخوشایند و اختلالات دوری جسته و حس نظم ایجاد شود (Goffman, 1963). در این راستا، ملاقات‌ها، برخوردها و چالش‌ها بین افراد و گروه‌های مختلف در فضای عمومی مطلوب، به «اجرای درام زندگی اجتماعی»، به‌وسیله بازیگرانی که به‌نوبه خود به‌عنوان تماشاگر ظاهر می‌شوند، تعبیر شده است (Mumford, 1964). بنابراین نظم زندگی همگانی در عرصه‌های عمومی، بیان‌گر نمایشی است که بازیگران غریبه آن به‌گونه‌ای فی‌البداهه نظمی پیچیده و غیرتکراری را برای هر مکان اجرا می‌کنند^۳ (Madanipour, 2003).

برای شناخت اجزای این نظم، طبقه‌بندی‌های گوناگونی از فعالیت‌های زندگی همگانی ارائه شده است. از جمله می‌توان به «گردهمایی‌ها، موقعیت‌ها و مناسبت‌های اجتماعی» (Goffman, 1963) و هم‌چنین «فعالیت‌های ضروری، فعالیت‌های

فضای عمومی، را به‌همراه دارد (Whyte, 1980; Gehl & Gemzoe, 1996; Oldenburg, 1999; Banerjee, 2001; Tibbalds, 2012; Gehl & Svarre, 2013). به‌طوری که در سال‌های اخیر، مطالعات در زمینه «زندگی همگانی» و «مکان‌سازی» به موازات یک‌دیگر در رشته طراحی شهری تکوین یافته‌اند (Montgomery, 1998; Gehl, 2010; Shaftoe, 2012; Balsas, 2019).

در این راستا، دو بینش متفاوت وجود دارد. بینش اول بر پایه پژوهش‌های افرادی چون ویلیام وایت و یان گل سازمان یافته است. وایت (Whyte, 1980) معتقد است: «ضرباهنگ‌های^۱ زندگی میدان‌های مختلف، بسیار به‌هم شبیه‌اند»^۲. استدلال او این است که: «الگوهای رفتاری در شهرهای دیگر با اندکی تفاوت مشابه شهر نیویورک است. همان‌طور که گل نیز در کپنهاگ دانمارک الگوهای رفتاری تقریباً مشابهی با آن‌چه در نیویورک دیده می‌شود، ترسیم کرده است». اما بینش دوم بر تفاوت‌های ضرباهنگ‌های زندگی همگانی در عرصه‌های عمومی مختلف تأکید دارد. در این زمینه لوفور (Lefebvre, 1991) با بیانی انتقادی، عنوان می‌کند: «ما فضا را بدون تمرکز بر برداشت گسسته که ذهن در آن دخالت دارد یا بدون سرهم کردن جزئیات در کل «واقعی» و حتی بدون فهم مظلوف آن، در شکل ارتباطات درونی‌اش با ظرف و کالبد خود، می‌سازیم». او با مقایسه ضرباهنگ‌های شهرهای مدیترانه‌ای و شهرهای اقیانوسی به بیان دلیل تفاوت میان این شهرها می‌پردازد (Lefebvre & Regulier, 1986). پس از او، پژوهش‌های متعددی در این جهت انجام شده است (Habibi & Barzegar, 2018). گفتمان بینش دوم گویای پیچیدگی، پیش‌بینی‌ناپذیری و بی‌نظمی زندگی همگانی در عرصه‌های عمومی است. ویژگی‌هایی که سبب شده است برخی این پدیده را به رقص باله، اجرا، نمایش و ... تعبیر کنند (Jacobs, 1961; Goffman, 1963; Mumford, 1964; Seamon, 1979; Madanipour, 2003). اما بینش اول بر این عقیده است که الفبای این رقص یا اجرای جمعی ناخودآگاه را می‌توان کشف کرد. آن‌ها همان الگوها و ترجیحات رفتاری عام در عرصه‌های عمومی هستند. به‌عبارت‌دیگر، نمی‌توان الگوهایی که تحت تأثیر خصایص روانشناختی، زیبایی‌شناختی و ناخودآگاه بین انسان‌ها مشترک است را نادیده گرفت.

این پژوهش با تلفیق دو بینش فوق، از یک‌سو قصد دارد الگوهای رفتاری عام زندگی عمومی را شناسایی و آن‌ها را در دو فضای عمومی منتخب مطالعه کند و از سوی دیگر، تفاوت‌ها در کیفیت تحقق برخی از الگوهای کلیدی فعالیت در این فضاها را تحلیل کند. برای دستیابی به این هدف، با بازخوانی مبانی نظری مربوط به زندگی همگانی و مکان‌سازی، چارچوبی مفهومی از مؤلفه‌ها و عوامل مؤثر در شکل‌گیری ضرباهنگ‌های زندگی همگانی تدوین شده است. متعاقباً، این چارچوب برای مطالعه و ارزیابی میدان لستر لندن و میدان تایمز نیویورک به کار گرفته می‌شود. این دو فضای عمومی نمادین به‌طور آگاهانه انتخاب شده‌اند، چراکه

هر اتفاقی است، اما مهم‌تر از آن اینست که کدام فعالیت‌ها - در اثر چیدمان و ارتباطات - اجازه گسترش یافتن دارند (Gehl, 2001). به‌طور کلی فرایند خودتقویت‌گری زندگی همگانی، موجب شکل‌گیری فعالیت‌های بیشتر و پیچیده‌تر می‌شود^{۱۱}. از طرفی در مطالعاتی چون منطق اجتماعی فضا (Hillier & Hanson, 1984)، مطالعه زندگی همگانی (Gehl & Svarre, 2013)، مطالعه زندگی اجتماعی (Whyte, 1980)، سورانگیزی از طریق طراحی^{۱۲} (Ganji & Rishbeth, 2020) و ضرباهنگ‌های مکانی و زمانی^{۱۳} (Wunderlich, 2013) به‌طور دقیق الگوهای فعالیتی مردم به‌صورت عام یا ذیل متغیرهای خاصی مورد بررسی قرار گرفته است. بازخوانی نتایج این مطالعات، گرچه به بیان کلی الگوهای رفتاری می‌پردازد، امکان درک بهتر چیدمان و ارتباطات فعالیت‌های مختلف در عرصه‌های عمومی را فراهم می‌آورد.

اولین تجربه انسان از محیط حین حرکت است (Shaftoe, 2012). حرکت برای جابه‌جایی بین دو مقصد تمایل به مسیرهای مستقیم و میانبرها را گویاست (Hillier & Hanson, 1984; Gehl, 2001) و حرکت برای لذت‌بردن، مسیرهای منحنی و دارای توالی بصری را باب میل می‌کند (Cullen, 1961; Kaplan & Kaplan, 1989). در هر دو حالت، وجود چشم‌انداز در انتهای دید، حرکت را متمرکز می‌کند. تمایل مردم، حرکت در امتداد لبه‌ها به‌جای گذشتن از سطحی وسیع یا وسط فضاست (Gehl, 2001). اگر حرکت گروهی باشد، آهنگ گام‌ها یکدست است، گویی زبان سکوت حاکم باشد، اغلب در یک گروه کسی چیزی نمی‌گوید (Whyte, 1980) و گروه در مسیری حرکت می‌کند که بتواند محمل همه اعضا باشد. قدم‌زدن می‌تواند با مکث‌های ایستاده کوتاه یا بلندمدت، همراه شود. بنابراین زون‌های توقف در امتداد لبه فضا و در داخل آن قرار دارند (Gehl, 2001). شاید تسلط به چشم‌انداز وسیع روبه‌رو و احساس امنیت از پشت دلیل آن باشد؛ در این زمینه مردان کمی متفاوت‌اند، در آن‌ها رو به سمت پیاده‌رو بودن اولویت دارد (Whyte, 1980). مهم‌تر این‌که، مردم به‌ندرت وسط یک فضای وسیع و بزرگ را برای توقف انتخاب می‌کنند (ibid.). در مکث‌های طولانی‌تر، مردم به‌دقت جاهایی مانند فرورفتگی‌ها، گوشه‌ها، کنار دروازه‌ها، ستون‌ها، درختان، چراغ‌های خیابان و تکیه‌گاه‌های فیزیکی نظیر این‌ها را انتخاب می‌کنند و از آن‌ها برای مقابلشان ایستادن، کنارشان ایستادن، استراحت کردن، اطرافشان بازی کردن و چیزهایی را کنارشان قراردادن استفاده می‌کنند (Gehl, 2001). تمایل به مکث و گفتگو در اواسط درگاه ورودی فروشگاه‌ها، نقاط پرازدحام و مشابه آن نیز وجود دارد (Whyte, 1980)، اما نه فروشگاه‌های کسل‌کننده میلمان اداری، بانک‌ها و ... بلکه در مقابل نمایشگاه‌ها و فروشگاه‌هایی که رابطه مستقیمی با مردم و محیط اجتماعی اطراف دارند، مانند بجه‌های روزنامه‌فروشی، نمایشگاه‌های عکس، سالن‌های نمایش فیلم و تئاتر، فروشگاه‌های لباس، اسباب‌بازی‌فروشی‌ها و ... (Gehl, 2001). حتی بیشترین علاقه، به مکث و تماشای

انتخابی و فعالیت‌های اجتماعی» (Gehl, 2001) اشاره کرد. با وجود تفاوت‌ها، این دسته‌ها تقریباً متناظرند. بنابراین فعالیت‌های دسته اول (مانند انتظار برای اتوبوس) بدون تعامل خاص رخ می‌دهند؛ فعالیت‌های دسته دوم (مانند مطالعه) تنها در شرایط مطلوب اتفاق می‌افتند و در حین آن‌ها مردم به‌نوعی حضور یک‌دیگر را تصدیق می‌کنند و فعالیت‌های دسته سوم (مانند بازی گروهی) اساساً وابسته به حضور دیگران‌اند (Goffman, 1963; Gehl, 2001). در اصل، شالوده زندگی همگانی ضرباهنگ‌های حاصل از حرکت و جابه‌جایی این فعالیت‌هاست که بزرگ‌ترین منظره یک میدان را رقم می‌زند (Shaftoe, 2012).

• حضورپذیری

پدید آمدن ضرباهنگ‌های زندگی همگانی، در وهله نخست مستلزم «حضور» مردم در عرصه عمومی به‌تبع فعالیت‌های ضروری و انتخابی است. حال محبوب‌ترین فضاها برای حضور مردم، قلمروهای بازپس گرفته‌شده از خودرو هستند، آن‌هایی که نه در عرصه‌های بلند یا میدان‌های گودرفته^{۱۴}، بلکه در سطح دید انسان هستند (Whyte, 1980; Gehl, 2001) و درست در محل یا نزدیک تقاطع خیابان‌ها جانمایی شده‌اند؛ هم‌چنین از چشم‌انداز مناسب مناظر، قرارگیری در سایه درختان به‌هنگام نشستن و مشاهده مناظر، وضعیت مطلوب در: مقابله با جریان باد و کوران، وجود نور، حس محصوریت، سرگرمی (Whyte, 1980) و رنگ (Duttman et al., 1981) برخوردارند. هم‌چنین «مردم جایی می‌روند که مردم هستند»^{۱۵} (Gehl, 2001)، احتمالاً تحت تأثیر این‌که انسان‌ها اساساً موجوداتی اجتماعی هستند (Shaftoe, 2012) و هم‌چنین تحت تأثیر نیاز به گردهم آمدن برای امنیت (Felson & Clarke, 1998)، افراد وقتی ببینند افراد مشابه آن‌ها در حال جای‌گیری در آن فضا به روشی آرام هستند، احساس امنیت بیش‌تری خواهند داشت (Shaftoe, 2012). اگرچه مردم خواهان انسجام و امنیت در فضا هستند، اما کسالت‌باری^{۱۶} نمی‌خواهند (Kaplan & Kaplan, 1989; Marsh, 1990). انسان دوست دارد که فضایی بیش از آن‌چه در ابتدا به چشم می‌آید وجود داشته باشد (Shaftoe, 2012). این میل به پیچیدگی احتمالاً ریشه در ویژگی تکاملی انسان در میل به کشف کردن و فهمیدن دارد (Kaplan & Kaplan, 1989). در عرصه‌هایی که از خصایص فوق بهره‌مند باشند، مردم برای درنگ کردن احساس راحتی می‌کنند، می‌خورند و می‌نوشند و به‌جای این‌که تند حرکت کنند، در امتداد مغازه‌ها یا کافه‌ها غوطه‌ور می‌شوند (Shaftoe, 2012). از این‌رو، پراستفاده‌ترین میدان‌ها، مکان‌هایی دوستانه و اجتماعی‌اند (Whyte, 1980).

• سرزندگی^{۱۷}

تنها حضور مردم در عرصه عمومی، برای شکل‌گیری ضرباهنگ‌های زندگی همگانی کافی نیست. می‌بایست شرایط مطلوب برای سازمانیابی فعالیت‌های سازنده «سرزندگی» از جمله فعالیت‌های اجتماعی وجود داشته باشد. به‌عبارتی دیگر این‌که مردم و رویدادها در فضا و زمان گردهم بیایند، شرط لازم برای

• سورانگیزی^{۱۶}

گسترش فعالیت‌های اجتماعی در عرصه‌های عمومی، مفهوم سرزندگی را به «سورانگیزی» اعتلا می‌دهد. به عبارتی فعالیت‌های سرزنده ممکن است به‌طور طبیعی به سمت موقعیت‌های اجتماعی سورانگیز پیش برود و لذت‌بخش‌تر شوند. این امر تحت‌تأثیر «فعالیت‌های برابندی»، «فرایندهای مثبت»، «مکان سوم» یا «حالت‌های مثلث‌بندی» روی می‌دهد. «فعالیت‌های برابندی» از فعالیت‌های پیوندیافته با دو دسته فعالیت‌های ضروری و انتخابی ناشی می‌شوند و آن‌ها در ارتباط با دیگر فعالیت‌ها گسترش می‌یابند^{۱۷} (Gehl, 2001). به‌همین ترتیب در «فرایند مثبت» عنوان شده است: «چیزی روی می‌دهد، چون چیزی روی می‌دهد» (ibid.). هم‌چنین در پدیده «مکان سوم» حاصل عملکرد خانه به‌عنوان مکان اول و عملکرد محل کار به‌عنوان مکان دوم دانسته شده است (Oldenburg, 1999). در حالت مثلث‌بندی نیز فرد A و فرد B به‌واسطه رویداد خیابانی C، وارد تعامل با یک‌دیگر می‌شوند (Whyte, 1980) (تصاویر ۱، ۲ و ۳). در این مفهوم است که رویداد و اجراهای هنری در عرصه عمومی، تحت عناوین ایستگاه مکث (Whyte, 1980)، جان‌بخشی^{۱۸} (Shaftoe, 2012)، استفاده غیررسمی از فضا (Carmona, 2003) و ... اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. به نظر می‌رسد بهترین مکان‌ها برای رویداد و مراسم در شهرهای سنتی به‌صورت ارگانیک رشد کرده باشند. همان‌طور که برنارد رودوفسکی (Rudofsky, 1964) و کریستوفر الکساندر و همکاران (Alexander et al., 1977) بیان می‌کنند که بهتر است ما مکان‌ها و فضاهای خوب را «رشد» دهیم، به‌جای این‌که تلاش کنیم آن‌ها را از یک طرح اولیه بسازیم. در این زمینه الکساندر (Alexander, 2004) به ارائه مثالی از تکامل مورفوژنتیک میدان سنت‌مارک ونیز، طی صدها سال می‌پردازد. طراحی‌های شهری «ارگانیک»، می‌توانند «با باد خم شوند»^{۱۹}، «هرس و پیوند داده شوند»^{۲۰}، «با شرایط حاکم منطبق شوند»^{۲۱} (Building Living Neighbourhoods, 2021). بنابراین در مقابل رویکردهای انعطاف‌ناپذیر، رویکرد منعطف‌تر با عنوان «ببینید چه اتفاقی می‌افتد»^{۲۲} با پولی که برای اصلاحات و تغییرات پس‌انداز شده است، فضاهایی کاملاً متناسب با نیازهای کاربر را فراهم می‌کند (Brand, 1994). از این‌رو، موضوعاتی چون تکامل تدریجی، انعطاف‌پذیری و مدیریت فضا مطرح می‌شوند که عمده عوامل مؤثر بر آن‌ها ریشه در بینش‌ها و سیاست‌های کلان دارد.

در واقع بینش‌های مدیریتی و سیاست‌های کلان تعیین می‌کنند آیا تمایل به پذیرش انعطاف‌پذیری دموکراتیک برای مواجهه با عدم قطعیت ذاتی و پیش‌بینی‌ناپذیری فعالیت‌های شهری و پذیرش ضرباهنگ‌های مختلف زندگی همگانی - مشابه آن‌چه در فضاهای عمومی ارگانیک تجربه شده - وجود دارد یا خیر. چنان‌چه ممکن است به بهانه‌هایی نظیر امنیت فضا یا ارائه محیطی پاکیزه‌تر، کاستن از تنوع فعالیت‌ها در عرصه

جریان فعالیت‌های انسانی در فضای خیابان، مشاهده شده است^{۱۴} (ibid.). الگوهای توقف و نشستن، به‌خصوص در زمینه تأثیر لبه، مشابه هم هستند (Whyte, 1980; Gehl, 2001). همان‌طور که جریان‌های اصلی آمدوشد، قلمرو گفتگوهای ایستاده یا درحال حرکت بین‌راهی هستند، مردم درون یا مجاور آن‌ها را نیز برای نشستن انتخاب می‌کنند (Whyte, 1980). حتی تعداد افراد نشسته، کسر نسبتاً ثابتی، از افراد ایستاده یا درحال حرکت بیان شده است (Gehl, 2001). بچه‌ها و افراد جوان هرجایی را برای نشستن می‌پذیرند: روی زمین، روی خیابان، روی پله‌ها، روی لبه آب و ... (ibid.). اما بسیاری از مردم یک جای نشستن مطلوب شامل نیمکت‌های با عرض و ارتفاع مناسب و ... را می‌پسندند (Whyte, 1980). به‌طور کلی شش تا ۱۰ درصد از فضای باز یک میدان، به فعالیت نشستن اختصاص دارد (ibid.). که در آن‌ها مردم در فصول سرد بی‌صبرانه دنبال آفتاب می‌گردند، با حرکت آفتاب جابجا می‌شوند و هر کجا که آفتاب هست، همان‌جا می‌نشینند؛ و در فصول گرم بالعکس (Whyte, 1980; Wunderlich, 2013). به‌همین ترتیب مردم نسبت به باد و کوران حساس هستند (Whyte, 1980). وجود فرصت‌های خوب برای نشستن، راه را برای بسیاری فعالیت‌های دیگر که جذابیت‌های اصلی فضاهای عمومی هستند باز می‌کند: خوردن، خوابیدن، بافندگی، شطرنج، حمام آفتاب، تماشای مردم، گفتگو کردن و ... (Gehl, 2001). در زمینه دیدن، شنیدن و گفتگو، عواملی چون میدان دید اجتماعی، نور، سروصدا و بو بر ترجیحات مردم تأثیرگذارند (ibid.). شنیدن صدای خش‌خش باد از لابه‌لای درختان و صدای آواز پرندگان، یک پادزهر خوشایند برای بدآهنگی سروصدای ترافیک شهری است. باین‌حال، یک بُعد شنیداری پویا نیز وجود دارد که از گفتگو حاصل می‌شود (Shaftoe, 2012). فعالیت گفتگو به‌طور نشسته و ایستاده معمولاً با غذاخوردن در یک گوشه، پیرامون یک اغذیه‌فروش دوره‌گرد که گروهی از مردم دور آن جمع شده‌اند، همراه است (Whyte, 1980). اگر صف مردم برای تحویل غذا از بوفه طولانی شود، عابرین پیاده نیز برای پیوستن به آن تحریک می‌شوند. به‌طور کلی آفتاب، سبزه و چمن در وسط یک شهر، یا مرتبط‌کننده‌های طبیعی و مسیرهای انتقالی، مکان‌های دلخواهی برای پیک‌نیک هستند^{۱۵} (ibid.). اما فعالیت‌های بازی، از درون رشد می‌کنند و از لبه به سمت میانه فضای عمومی گسترش می‌یابند (Gehl, 2001). نهایتاً فعالیت‌های غیرقابل پیش‌بینی (هم‌چون جنبش فریرانینگ، اعتراضات و ...) در نقاط مختلفی قابل تصور هستند (Shaftoe, 2012). به‌طور کلی نظمی ذاتی در مجموع الگوهای فعالیتی پدیدار است که مقدمه آن حس غریزی مردم نسبت به حداکثر تراکم جمعیت است (Whyte, 1980). آن‌ها برداشت صحیحی از تعداد جمعیت مناسب یک محل دارند، هم‌چنین همان‌طور که مشخص شد مردم خود را به‌طور مساوی در کل فضای عمومی توزیع نمی‌کنند (Canter, 1974; Whyte, 1980).

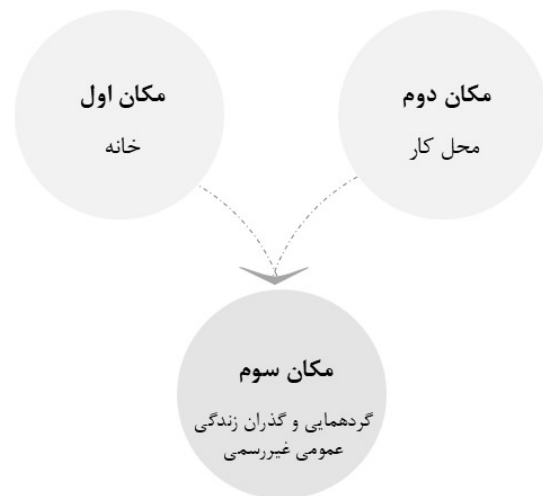
عمومی، به ویژه فعالیت‌های خودانگیخته و چالش‌برانگیزی هم‌چون رویدادها و اجراهای هنری، در دستور کار قرار گیرد. اتخاذ چنین رویکردی حتی در کشورهایی که ظاهراً از گفتمان جهانی‌سازی یا مصرف‌گرایی فاصله می‌گیرند، نهایتاً به همان فرایند جهانی‌سازی فضاهای عمومی، یعنی کالایی‌سازی، کنترل و طرد^{۲۳} متمرکز می‌انجامد. به‌عنوان نمونه فعالیت‌هایی هم‌چون اجراهای خیابانی و نوازندگی، ارتباط تنگاتنگی با مفهوم «فضای ولگردی»^{۲۴} دارند. کرمونا و همکاران (Carmona et al., 2008) استدلال می‌کنند که «فضای ولگردی به‌همان اندازه فضای نشستن می‌تواند به‌عنوان بستری برای تعاملات اجتماعی یا استراحت تعریف شود، فضایی که فرد می‌تواند در آن ثابت بایستد؛ فضایی برای ملاقات با کسی، مشاهده فعالیت‌های اطراف یا ایستادن در سکوت. فضای ولگردی برای خصلت مدنی و اجتماعی فضای عمومی حیاتی است». با این حال، مدیریت عرصه عمومی ممکن است تصمیم به حذف این نوع فعالیت‌ها بگیرد که در نتیجه، ضمن تبدیل فضا به کالایی تجاری برای مصرف، امکان ظهور فعالیت‌های غیرمنتظره و سورانگیز و به تبع آن، مدنیت عرصه عمومی تضعیف می‌شود.

• مؤلفه‌ها و عوامل مؤثر در شکل‌گیری ضرباهنگ‌های زندگی همگانی

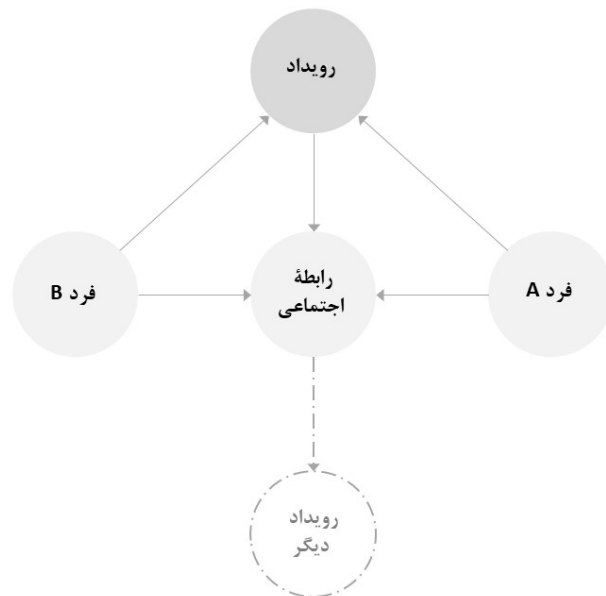
با وجود تمام تأثیرات الگوهای فعالیتی، نمی‌توان از نقش شکل شهر غافل شد. همان‌طور که در طول سال‌ها توجه ویژه‌ای به رابطه بین رفتار انسان و شکل شهر وجود داشته است (Canter, 1974; Rapoport, 1990; Rapoport, 1977; Canter, 1977). در حقیقت این احتمال وجود دارد که انسان هم فضا را تحت تأثیر قرار دهد و هم تحت تأثیر آن قرار بگیرد (Shaftoe, 2012). چنین دیدگاهی موجب شده مفهوم «قرارگاه رفتاری»^{۲۵} به‌عنوان بستر کالبدی وقوع الگوهای رفتاری^{۲۶} مورد توجه قرار گیرد. بر این اساس هر چه میزان چیدمان محیط با چیدمان فعالیت‌ها همخوان‌تر باشد، عرصه عمومی بهتر قادر خواهد بود نیازها و رفتارهای انسانی را پاسخ‌گو باشد (Zekavat & Dehghan, 2017). در این زمینه اصول و راهنماهای طراحی شهری مختلفی برای زندگی همگانی در قالب عرصه‌های عمومی حضور پذیر، سرزنده و سورانگیز، ارائه شده است (Whyte, 1980; Gehl, 2001; Shaftoe, 2012; Gehl, 2010; Tibbalds, 2012). روی هم‌گذاری آن‌ها نشان می‌دهد غالب مطالعات همپوشانی بالایی با اصول شهر انسانی (Gehl, 2010) دارند که می‌توان با افزودن برخی موارد به بهبود و تکمیل این اصول نائل آمد (تصویر ۴).

روش‌شناسی

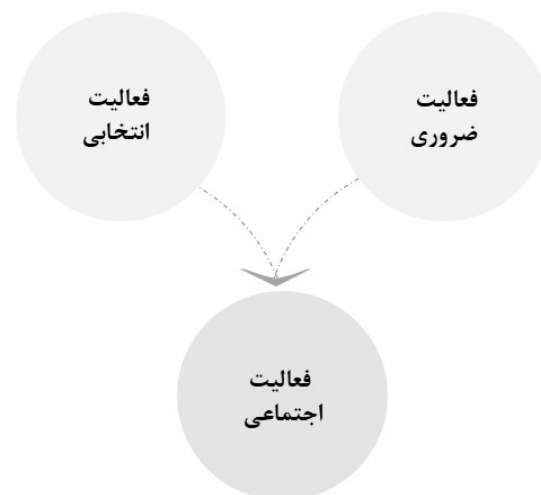
این پژوهش، توصیفی با رویکرد تطبیقی است. فرایند پژوهش شامل چهار مرحله اصلی بوده است: در گام نخست، مطالعه کتابخانه‌ای و بازخوانی مفاهیم مرتبط با ضرباهنگ‌های زندگی همگانی انجام شد. هدف از این مرحله، بنیان‌گذاری چارچوب



تصویر ۱. مکان سوم به‌عنوان حاصل عملکرد مکان اول و مکان دوم. مأخذ: نگارندگان.

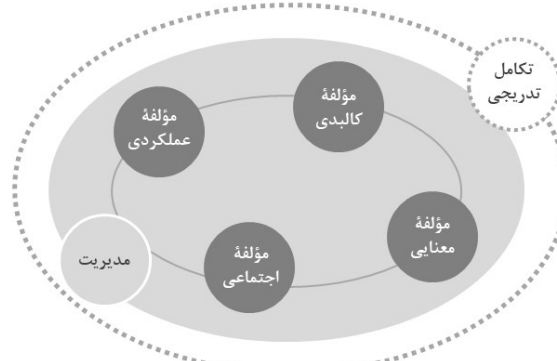


تصویر ۲. فعالیت در حالت مثلث‌بندی مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۳. فعالیت‌های اجتماعی به‌مثابه فعالیت‌های برابندی. مأخذ: نگارندگان.

پیش رویدای VIII-1 مدیریت خوب VIII-2 نگهداری VIII-3 تغییرات منظم VIII-3 برپایی رویداد	<p>II. شخصیت زمینه</p> <p>II-1. نوع محله و نواحی پیرامون II-2. زمینه و تشخیص سیما</p> <p>III. مطلوبیت برنامه ریزی</p> <p>III-1. آمیختن به جای پراکندن (استقرار مناسب کاربری‌ها: ترکیب عملکردها، اسجام کالبدی، برفعال، کاربری اولیه و ثانویه و ...) III-2. یکپارچه‌کردن به جای تفکیک (اختلاط عملکرد و فعالیت - یکپارچگی دسترسی و سیستم حمل و نقل عمومی) III-3. کشش به جای رانش (توانایی دیدن آنچه در بیرون درحال انجام است- شکل‌دهی مقصد یا کاری برای انجام، به‌عنوان کانالیزور موقعیت ارتباطی) III-4. بازکردن به جای بستن (نفوذپذیری بصری و فیزیکی، برداشتن لبه بین شهر و ساختمان‌ها) III-5. افزایش دادن به جای کاستن (طولانی کردن توقف)</p> <p>IV. محافظت</p> <p>IV-1. در برابر جرم و خشونت، و احساس امنیت (قلمرو عمومی فعال، نظارت بر خیابان، همپوشانی کاربری‌ها در شب و روز، نورپردازی مناسب) IV-2. در برابر عبور و مرور و سوانح و احساس ایمنی (محافظت از افراد پیاده، حذف ترس از عبور و مرور) IV-3. در برابر شرایط حسی ناخوشایند (باد، باران، برف، سرما، گرما، آلودگی، گردوغبار، سروصدا و نور شدید)</p>	<p>V. آسایش</p> <p>V-1. فرصت‌های نشستن (پهنمایی برای نشستن، بهره‌برداری از مزایای: دید، خورشید، مردم، مکان‌های خوب برای نشستن، نیمکت‌هایی برای استراحت) V-2. فرصت‌هایی برای ایستادن/ توقف کردن (اثر لبه/ منطفه‌های جذاب برای ایستادن/ توقف کردن، تکیه‌گاه‌هایی برای ایستادن) V-3. فرصت‌های راه رفتن (فضا برای راه رفتن، نبود مانع، کفسازی خوب، دسترسی برای همه، نملهای جالب، توالی فضایی و مناظر) V-4. فرصت‌هایی برای بازی و ورزش (دعوت به خلاقیت، فعالیت فیزیکی، ورزش و بازی، در روز و شب، در تابستان و زمستان) V-5. فرصت‌هایی برای صحبت کردن و گوش فرادادن (سطح صدای پایین، مبلمان خیابانی که منظر سخن گفتن را فراهم می‌کند) V-6. فرصت‌هایی برای دیدن (فواصل دید منطقی، خطوط دید غیرمنقطع، دیدهای جذاب، نورپردازی در ساعت‌های تاریکی) V-7. فرصت‌های خوردن و آشامیدن (ارائه امکان توزیع غذا (بوفه، رستوران، کافه و ...))</p> <p>VI. لذت</p> <p>VI-1. تجارب حسی مثبت (طراحی و جزئیات مناسب، پیچیدگی در عین حوصلایی، مصالح خوب، مناظر مناسب، درختان، گیاهان، آب) VI-2. فرصت‌هایی برای لذت بردن از جنبه‌های مثبت اقلیم (سایه/ آفتاب، گرما، خنکی، نسیم) VI-3. مقیاس (مقیاس انسانی)</p>	پیش فلسفی I. تکامل تدریجی I-1. نواضع در یادگیری از گذشته I-2. تغییر آرایشی
<p>VII. انعطاف پذیری</p> <p>VII-1. کالبدی و عملکردی (صندلی‌های متحرک به جای صندلی ثابت و ...)</p> <p>سورانگیزی</p>	<p>سرزندگی</p>	<p>حضور پذیری</p>	



تصویر ۴. مؤلفه‌ها و عوامل مؤثر در شکل‌گیری ضرباهنگ‌های زندگی همگانی. مأخذ: نگارندگان.

آوکلند (Auckland Council, 2020)، گروه حمل‌ونقل نیویورک (NYC DOT, 2020)، گروه برنامه‌ریزی نیویورک (Zola..., 2021) و گزارش‌های بازطراحی توسط دایکرز (Dykens, 2014) و فلمن و کستر (NBC News Learn, 2020) در گام سوم، برای شناخت چیدمان الگوهای فعالیتی تکرار شونده در چارچوب مؤلفه اجتماعی - به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه - بر پایه روش‌های کیفی، شناخت دقیق مکانی فعالیت‌ها در دستور کار قرار گرفت. در این راستا، پژوهش با محدودیت‌هایی مواجه بود. این مطالعات در طول همه‌گیری جهانی کووید-۱۹ در سال ۲۰۲۱ انجام شد، از این رو، برای مسافرت و مشاهده مستقیم، ممنوعیت‌هایی وجود داشت و علاوه بر آن، مردم نیز مطابق روند

نظری برای تحلیل عرصه‌های عمومی مورد مطالعه بود. در گام دوم، برای شناخت ساختار و کیفیت عرصه‌های مورد مطالعه، شش مؤلفه کلیدی، عملکردی، معنایی، اجتماعی، مدیریتی و تکامل تدریجی، در طرح‌های شهری، گزارش‌های رسمی و مستندات نهادهای مسئول، بررسی شد. اسنادی اعم از: - میدان لستر: مستندات منتشر شده توسط شورای شهر وست‌مینستر (City of Westminster, 2002, 2006, 2008, 2011)، آژانس شهر آینده (Future City Ltd, 2020) و گزارش بازطراحی توسط مشاور طراحی نایس برنز (Urban Nous, 2018) - میدان تایمز: مستندات منتشر شده توسط شورای (Times Square Alliance, 2007, 2015, 2017).

ساخته شدند و تئاتر الحمراء (سینمای اودئون کنونی) شکل گرفت. در دهه ۱۹۸۰، تردد خودروها در میدان ممنوع شد. بنابراین میدان لستر در سیر تکامل تاریخی خود، از یک مکان مسکونی اشرافی به عرصه‌ای بدنام و سپس به مرکز تئاتر و سینما بدل شده است.

در دهه‌های ۸۰ و ۹۰، در پی کاهش چشمگیر بودجه بخش عمومی در بریتانیا، نهادهای دولتی در توسعه و نگهداری عرصه‌های عمومی ناتوان یا بی‌تامل شدند. طوری که میدان لستر تبدیل به ناحیه لذت‌جویی شبانه^{۳۵} شد، که با افزایش تعارضات و فشار بر بافت اجتماعی همراه بود. لذا این میدان در سال ۲۰۰۷ به‌عنوان یکی از نخستین فضاهای عمومی انگلستان، تحت پوشش ناحیه بهبود کسب‌وکار^{۳۶} (BID) در محدوده «قلب لندن»^{۳۷} قرار گرفت؛ سازوکاری برای جذب سرمایه خصوصی در مدیریت عرصه‌های عمومی. از اهداف اصلی BIDها می‌توان به ارتقای امنیت، بهبود نظافت، مشارکت در پروژه‌های بازطراحی، برندسازی و بازاریابی مکان برای کاربران و سرمایه‌گذاران اشاره کرد (Carmona et al., 2008; Future City Ltd, 2020).

یکی از تأثیرات BID قلب لندن، پروژه بازطراحی میدان لستر بود که با تأکید بر ریشه‌های تاریخی آن شکل گرفت. طراحی با پرسش «میدان لستر کجاست؟» آغاز شد و به تعریف زمینه‌های لندنی انجامید که فراتر از مرزهای باغ مرکزی، ساختمان‌های پیرامونی و حیاط‌ها^{۳۸} را دربرمی‌گرفت. بدین ترتیب، بلوکی شهری با قدمتی ۳۵۰ ساله به‌عنوان مبنای طراحی مورد بررسی قرار گرفت و مداخلات نیز در تداوم سنت سرگرمی‌های هنری-نمایشی، اما به‌شکلی مدرن، انجام شد (Urban Nous, 2018).

اما در حوزه مدیریت، مبارزه با رفتارهای ضدا اجتماعی یکی از اهداف محوری بازطراحی تعریف شد که هرچند به تأمین امنیت در برابر برخی جلوه‌های افراطی شب‌گردی و تاحدی به موفقیت تجاری، کمک کرد، اما تأثیر نسبی بر کاهش تنوع اجتماعی نیز از پیامدهای آن بوده است.

به‌لحاظ کالبدی میدان لستر با ترکیبی از معماری تاریخی و مدرن، هویتی منحصر به فرد دارد. در بازطراحی، تمرکز بر تقویت کیفیات ذاتی مکان بوده است. مرز بین فضاهای مختلف محو شده و ورودی‌ها به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که افراد را به‌طور طبیعی به‌داخل فضا دعوت کنند. هم‌چنین بهبود دید به سمت عناصر شاخص و ایجاد نظم بصری در خیابان‌های اطراف، به خوانایی میدان افزوده است (ibid.) (تصویر ۵).

به‌لحاظ عملکردی میدان لستر به‌عنوان یک عرصه توریستی در میان مقاصد کلیدی احاطه شده (تصویر ۶) و اختلاط کاربری با غلبه عملکردهای سرگرمی (بار، کافه، کلاب شبانه، رستوران) و اوقات فراغت (سینما، تئاترخانه) داشته است (تصویر ۷). این میدان تا پیش از بازطراحی، از لحاظ زندگی شبانه به‌خصوص در ناحیه شمالی، به‌طور چشمگیری غنی و درعین حال چالش‌برانگیز بوده است (City of Westminster, 2006) (تصویر ۸). سطح پایینی

معمول در عرصه عمومی حضور نداشتند. لذا از تکنیک‌های «ردگیری در عکس و فیلم» و «تبدیل به نقشه‌کردن» استفاده شد.

داده‌های این پژوهش با جستجوی عبارات Leicester square و Times square در آرنا‌های عکس و فیلم حاصل شد. برای میدان لستر بازه تصاویر مربوط به ماه می ۲۰۱۲ (تاریخ بازطراحی میدان) و برای میدان تایمز دسامبر ۲۰۱۵ (تاریخ افتتاح میدان پس از بازطراحی)، تا ژولای ۲۰۲۱ (تاریخ انجام پژوهش) انتخاب شد. چهار آرشیو اصلی زیر دست قرار گرفت:

۱. فیلم‌های گردشگران از میدان‌ها در یوتیوب، ۲. عکس و فیلم‌های آرنا‌های آلامی^{۳۷}، گتی‌ایمیجز^{۳۸}، شاتراستاک^{۳۹}، آی‌استاک^{۴۰}، آرکیتیزر^{۴۱} و ... ۳. عکس‌های جئوتگ در گوگل ارث و گوگل مپ، ۴. حضور مجازی در نقاط مختلف میدان‌ها در نرم‌افزار گوگل ارث در حالت نمایش خیابان^{۴۲}.

در کاوش اولیه حدود ۴۰۰۰ قطعه عکس و بیش از هشت ساعت و ۳۰ دقیقه فیلم، گردآوری شد. در ادامه داده‌ها مورد پالایش قرار گرفت تا موارد تکراری، عکاسی متوالی، فاقد فعالیت‌های انسانی و ... حذف شوند. داده‌های پالایش شده مورد کدگذاری براساس نوع فعالیت‌ها بر حسب مکان وقوع آن‌ها در نواحی مختلف دو میدان قرار گرفتند و سپس با شمارش فعالیت‌ها نسبت به تبدیل الگوهای تکرارشونده فعالیت به نقشه اقدام شد.

در گام نهایی، ارزیابی تطبیقی تمامی داده‌ها (اعم از اسنادی و تصویری) در قالب دو دسته «خصایص ذاتی» (ویژگی‌های ساختاری و پیشین فضا) و «خصایص بازطراحی» (تغییرات ناشی از مداخلات برنامه‌ریزی و طراحی معاصر) انجام شد^{۴۳}.

در ارزیابی تطبیقی، تحقیق با محدودیت‌هایی در تعمیم‌پذیری مواجه است. تمرکز بر دو عرصه عمومی نمادین در کلانشهرها که تحت فشارهای تجاری-گردشگری هستند، روندهای حاکم بر عرصه‌های عمومی مشابه آن‌ها را به بحث می‌گذارد، روندهایی که ممکن است در عرصه‌های عمومی محلی‌تر یا توریستی نشده، کمتر فراگیر باشند؛ بنابراین تعمیم آماری بر نتایج بحث مترتب نیست. از این رو توسعه ارزیابی کیفی انجام شده، در پژوهش‌های آتی به سمت یک مدل ارزیابی کمی، می‌تواند افزایش جامعیت و تعمیم‌پذیری را به همراه داشته باشد.

یافته‌ها

• میدان لستر

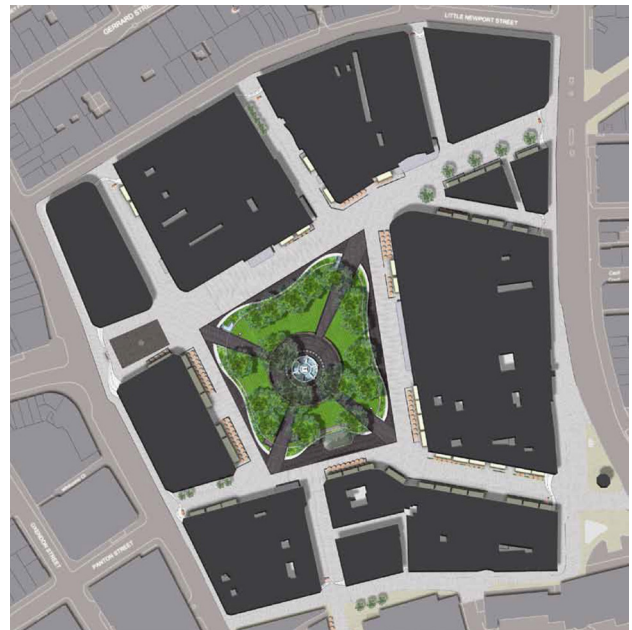
میدان لستر در لندن مرکزی^{۴۴}، در اواخر قرن هفدهم، در کنار عمارت اشرافی لستر شکل گرفت. لذا در ابتدا محل سکونت اشراف و هنرمندان سرشناس بود. در قرن هجدهم عمارت اشرافی شمال میدان، ابتدا به موزه تاریخ طبیعی و بعدها به مکانی تفریحی شامل عشرت‌کده‌ها و محل نمایش مجازات مجرمین بدل شد. در قرن نوزدهم، با گشایش خیابان نیوکاونتری، میدان به تدریج به قطب سرگرمی بدل شد. هتل‌هایی مانند برون و پروونس در اطراف آن

فروشگاه‌های زنجیره‌ای بزرگ شده است (تصویر ۷)، این قطعات اغلب مربوط به شرکت‌های چندملیتی هستند، این تغییر هم حس مشابهت با فضاهای عمومی دیگر ایجاد کرده و هم ویندوشاپینگ را کاهش داده است.

به لحاظ معنایی، تصویر کلی وابسته به تئاتر (در گذشته) و سینما (امروزه)، پیاده‌رواری و المان‌های تاریخی در کنار باغ لندنی، موجب تبلور «حس مکان» در میدان لستر بوده است. بازطراحی میدان نیز با الهام از شکل باغ‌های مرکزی اواخر قرن نوزدهم لندن و تأکید بر حوض تاریخی شکسپیر در صدد تقویت حس مکان بوده است. قاب‌گیری باغ مرکزی با کف‌فرش تیره و استفاده ویژه از عنصر آب در بخش مرکزی، از جمله تمهیدات در این زمینه بوده‌اند (ibid.).

پیش از بازطراحی، میدان لستر در عین برخورداری از تعاملات اجتماعی چون ویندوشاپینگ، گفتگوی اجتماعی، پرسه‌زنی و ... با مشکلاتی از جمله خصوصی شدن فضای داخلی میدان، تقابل نیمکت‌ها و برخی رفتارهای ضداجتماعی در شب مواجه بوده است. طراحی جدید تلاش داشته است ضمن حذف عوامل مخمل حضور مردم، به افزایش کیفیت حضور کمک کند (ibid.). همان‌طور که در تصویر ۱۱ مشخص است، بازطراحی، بخش مرکزی را به سمت یک مکان خانوادگی هدایت کرده است. همراه با نوعی تعامل مردم شکل گرفته است. اما مهم‌ترین بخش از ضرباهنگ‌های روزمره زندگی همگانی میدان لستر، روی محوری قرار می‌گیرد که از کاونت-گاردن شروع می‌شود، به چرینگ-کراس-رُد می‌رسد، سپس به حیاط شمالی میدان لستر سرریز می‌شود و تا میدان پیکادلی ادامه می‌یابد، که عموماً مردم در این محور در حال حرکت هستند، به خصوص بین لستر تا پیکادلی. پرسه‌زنی نیز بخشی از این جریان حرکت است. در حیاط شمالی، فعالیت‌های دیگری نیز به خوبی سازمان یافته‌اند. مردم گاهی به صورت گروه‌های چند نفره در همان جریان حرکت می‌ایستند و به گفتگو می‌پردازند. گاهی برای عکس‌گرفتن از نمادهای میدان یا با آن‌ها، توقف می‌کنند یا از گروه خود جدا می‌شوند. زمانی که به حیاط ساعت سوئیسی^{۳۹} می‌رسند حضور نقاشان خیابانی، در کنار نماد تاریخی که در ساعات مشخصی آهنگ می‌نوازد، عرصه توقف و عکاسی حال‌وهوای ویژه‌ای پیدا می‌کند. در دل این الگوهای فعالیت، حضور هنرمندان اجراهای خیابانی (رقص، آواز، شعبده‌بازی، نوازندگی، فلش‌ماب و ...) در تقاطع حیاط شمالی با حیاط‌های شرقی و غربی، رونق چشمگیری دارد (تصاویر ۱۲ و ۱۳). در مواردی تماشاگران خود بخشی از اجرا می‌شوند. این امر شواهدی از حضور جامعه محلی در میدان لستر ارائه می‌دهد، چراکه مشارکت فعال تماشاگر در اجرا غالباً توسط افراد محلی انجام می‌شود.

اما در ضرباهنگ رویدادها در میدان لستر، علاوه بر تأثیرات

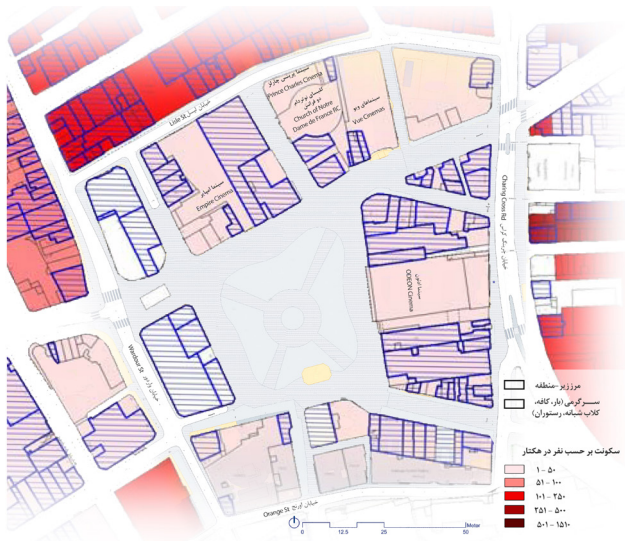


تصویر ۵. همپوشانی توده-فضا با نقشه پیشنهادی سیمارایی میدان لستر. مأخذ: City of Westminster, 2011.



تصویر ۶. موقعیت میدان لستر نسبت به مقاصد کلیدی پیرامون. مأخذ: BURNS+NICE ..., 2018.

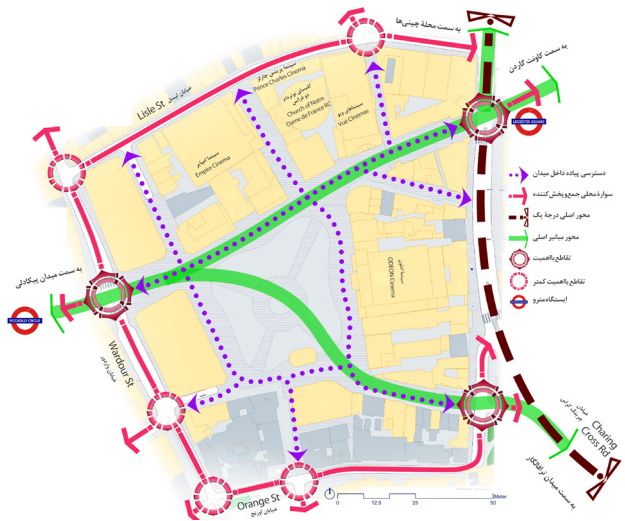
از سکونت در محدوده اصلی میدان و نواحی پرتراکم سکونتی در لایه‌های پسین میدان قرار دارند که شواهدی از حضور جامعه محلی در بر دارد (ibid.) (تصویر ۹). دو ایستگاه مترو لستر و پیکادلی در شرق و غرب میدان، ایستگاه اتوبوس چیرینگ-کراس و نه دسترسی پیاده، سطح بالای دسترسی و نفوذپذیری میدان را بیان گر است (City of Westminster, 2002) (تصویر ۱۰). در بازطراحی، فضای سبز تزئینی، به باغی با عملکرد اجتماعی بدل شده و حیاط‌ها نیز از مسیرهای صرفاً عبوری به فضاهایی برای «حضور» ارتقاء یافته‌اند. افزایش وضوح میدان از مقاصد کلیدی پیرامونی نیز در بهبود این کارکرد مؤثر بوده است (Urban Nous, 2018). اما بازطراحی میدان باعث جایگزینی قطعات خرد تجاری با



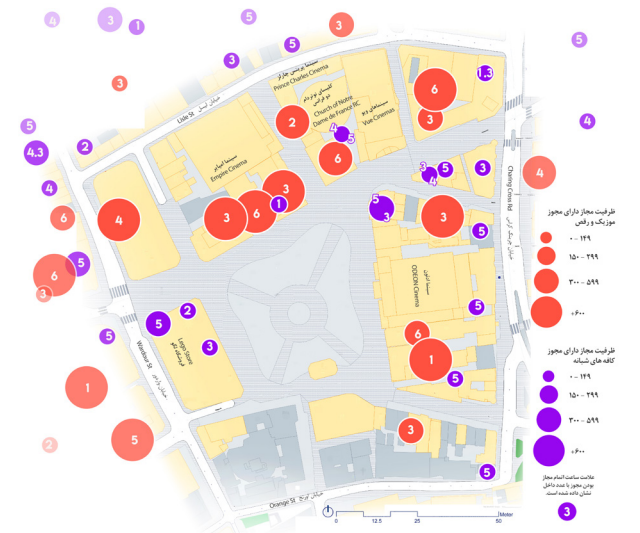
تصویر ۹. تراکم سکونت و کاربری‌های سرگرمی میدان لستر. مأخذ: نگارندگان برگرفته از City of Westminster, 2006.



تصویر ۷. کاربری اراضی طبقات همکف میدان لستر. مأخذ: نگارندگان برگرفته از City of Westminster, 2006.



تصویر ۱۰. حرکت و دسترسی میدان لستر. مأخذ: نگارندگان برگرفته از City of Westminster, 2006.



تصویر ۸. ظرفیت و ساعات‌های مجاز و دارای مجوز برای سرگرمی‌های عمومی. مأخذ: نگارندگان برگرفته از City of Westminster, 2006.

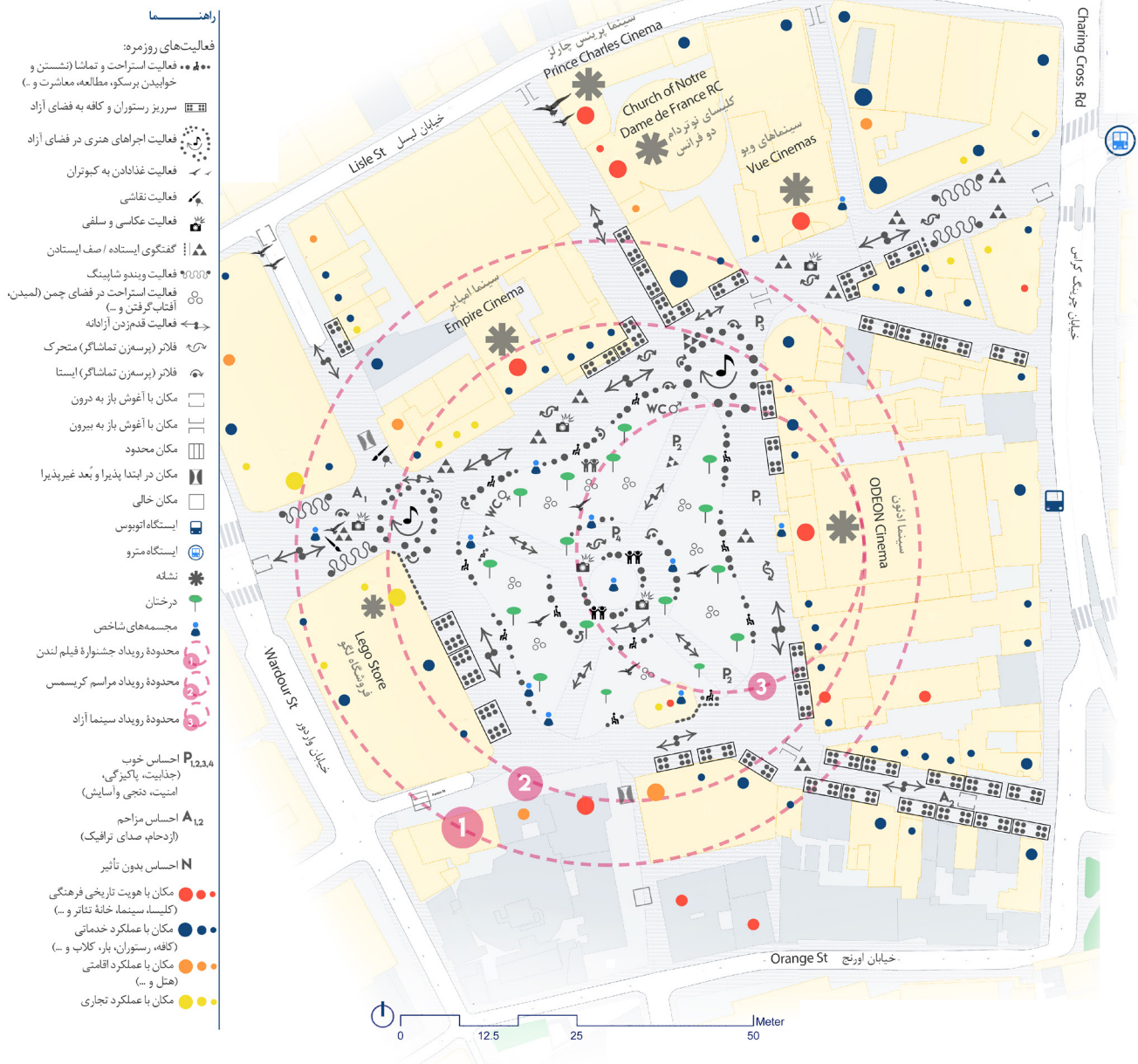
کنار مراکز سرگرمی غیرمتعارف، قرار داشتند؛ عرصه‌ای با ترکیب تئاترخانه‌ها، رستوران‌ها و هتل‌های میان‌رده. از این رو تاریخچه میدان تایمز هم‌چون میدان لستر با سرگرمی، تئاتر و سینما گره خورده و هم‌زمان مورد توجه افشار محترم و منحرف قرار داشته است (Carmona et al., 2008).

در اواخر قرن بیستم، میدان تایمز - همانند میدان لستر - به دلیل کاهش بودجه دولتی روبه‌افول گذاشت. برای مقابله با این وضعیت، در سال ۱۹۹۲ میدان تایمز - پیش از میدان لستر و با اهداف مشابه آن - تشکیل شد. BID تایمز سیاست‌های ویژه‌ای برای حذف کاربری‌ها و کاربران «نامطلوب» و کنترل تنوع اجتماعی اجرا کرد. اگرچه این اقدامات به کاهش جرم و کنترل صنایع غیرمتعارف

بازطراحی ناشی از بسط حیاط‌ها و حذف موانع به‌منظور انعطاف‌پذیری، مدیریت میدان نیز ایفای نقش می‌کند. میدان لستر همواره میزبان فستیوال‌ها و رویدادهایی باکیفیت از جمله جشنواره فیلم لندن، کریسمس و جشنواره فیلم در فضای آزاد بوده است که با ارائه طرح چیدمان عناصر و طی مراحل پرداخت عوارض، تأییدیه‌های لازم را اخذ می‌کنند (Urban Nous, 2018).

• میدان تایمز

میدان تایمز در نیمه نخست قرن بیستم، با میزبانی گردهمایی‌های مدنی، نماد قدرت مدنی، صنعتی و تجاری آمریکا بود (Berman, 1999). جذابیت آن هم‌چنین به تنوع فرهنگی و اجتماعی‌اش برمی‌گشت جایی که مراکز تفریحی طبقه متوسط در



تصویر ۱۱. چیدمان فعالیت‌ها در میدان لستر. مأخذ: نگارندگان.

محدوده‌های رنگی به فعالیت‌های مختلف پاسخ داد. همان‌طور که گل تأکید می‌کند: «تعادل بین آزادی بیان و نظم عمومی مستلزم برنامه‌ریزی دقیق و مدیریت هوشمندانه فضاهای عمومی است» (Gehl et al., 2015).

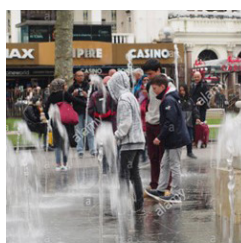
به‌لحاظ کالبدی میدان تایمز با جهت‌گیری شمال‌شرقی-جنوب‌غربی و تقاطع با بلوک‌های طویل شمال‌غربی-جنوب‌شرقی، نفوذپذیری بالایی دارد (تصویر ۱۴). ویژگی‌های منحصر به فرد آن شامل محصوریت شدید توسط آسمان‌خراش‌ها، سیطره معماری مدرن، نمایشگرهای عظیم و اتصال فضایی مدرن پنج میدان همجوار است. در بازرگانی میدان، با حفظ لبه‌ها و ساده‌سازی کف (با مصالح مقاوم و قابل جایگزینی)، جریان عابران

کمک کرد، ولی تنوع فرهنگی و اجتماعی میدان را به‌مخاطره انداخت (ibid.)-طوری که جامعه نیویورکی خود را مطرود شده از میدان قلمداد می‌کردند (NBC News Learn, 2020).

اما بازرگانی میدان با هدف احیای زندگی همگانی و ادای احترام به پیشینهٔ تئاتری آن، با حذف تردد سواره، نه‌تنها صحنه‌ای برای رویدادها، بلکه بستری برای زیست‌روزانهٔ نیویورکی‌ها ایجاد می‌کند (Dykers, 2014) این پروژه به‌صورت مرحله‌ای و با استفاده از آزمایش ایده‌های موقت پیش‌رفت تا هزینه‌ها کاهش یابد و بازخورد مردم لحاظ شود. باین‌حال، پس از اجراء چالش‌هایی مانند حضور دسنادها^{۴۰} موجب انتقاد به «ابتدال» فضای میدان شد. مدیریت تایمز -به‌جای بازگشت به طرح سواره‌رو- با اختصاص

به صورت منعطف مدیریت شده است. طراحی مبلمان شهری، مانند نیمکت‌های خطی، بدون نیاز به نشانه‌های بصری اضافی، سیرکولاسیون داخلی را سامان می‌دهد و امکان تجمع و مکث را فراهم می‌کند. این رویکرد، فضای کم‌تنش برای کاربران ایجاد می‌کند تا در محیطی که معمولاً تحریک‌کننده است، بتوانند به استراحت، تعامل یا بازی بپردازند (NBC News Learn, 2020). میدان تایمز، با قرارگیری بر ستون فقرات شهری نیویورک و مجاورت با پایانه‌های حمل‌ونقل عمومی، یکی از دروازه‌های اصلی شهر و پیونددهنده عناصر کلیدی شهری تا فراملی به‌شمار می‌رود (تصویر ۱۵). پس از تأسیس BID، این میدان به مقصدی برای گردشگری و سرگرمی بازتعریف شد؛ تحولی که با رشد برج‌های اداری و استقرار فضاهای فراغتی در طبقات همکف

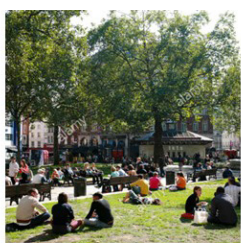
(نظیر رستوران، کافه، فروشگاه و معدود تئاترخانه‌ها) همراه بود (Carmona et al., 2008). در زون تجاری C۶۴۱، فعالیت‌های اصلی میدان شامل کاربری‌های اداری، اقامتی، رسانه‌ای و سرگرمی است که همگی ماهیتی تجاری دارند (تصویر ۱۶) (ZoLa..., 2021) - در تمایز با میدان لستر که هویت فرهنگی- سینمایی خود را حفظ کرده است- و بهره‌برداران اصلی میدان، هم‌چون لستر، شامل شرکت‌های چندملیتی و فروشگاه‌های زنجیره‌ای هستند؛ هم‌چنین برخلاف لستر، سکونت در میدان تایمز دیده نمی‌شود و نزدیک‌ترین منطقه مسکونی (RA) در میدتاون غربی قرار دارد (ibid.) (تصویر ۱۷). بازطراحی و پیاده‌محورشدن میدان، با توسعه شبکه فضاهای عمومی و توازن در توزیع آن‌ها، جریان‌های متنوع و روان عابرپیاده را ممکن می‌سازد



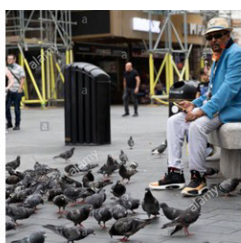
(۵)



(۴)



(۳)

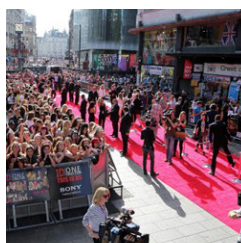


(۲)

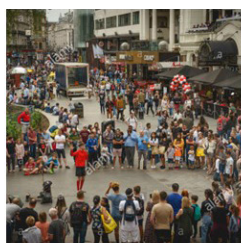


(۱)

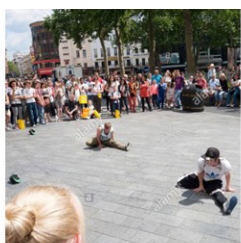
تصویر ۱۲. برخی الگوهای فعالیتی در میدان لستر، (۱): نشست روی ربان نشیمن، (۲): غذا دادن به کبوتران، (۳): فعالیت‌های آل فرسکو و پیک‌نیک، (۴): نشست در سرریز کاربری، (۵): بازی با آب. مأخذ: www.alamy.com.



(۵)



(۴)



(۳)



(۲)



(۱)

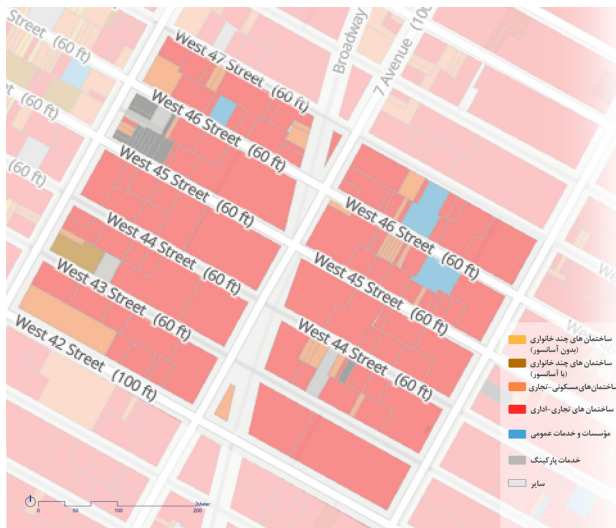
تصویر ۱۳. برخی الگوهای فعالیتی در میدان لستر، (۱): فعالیت فلانری (پرسوزن مشاهده‌گر). مأخذ: www.istockphoto.com. (۲): نقاشی خیابانی. مأخذ: www.alamy.com. (۳) و (۴): اجراهای هنری خیابانی. مأخذ: www.alamy.com. (۵): جشنواره نمایش اول فیلم (فرش قرمز). مأخذ: www.irishmirror.ie.



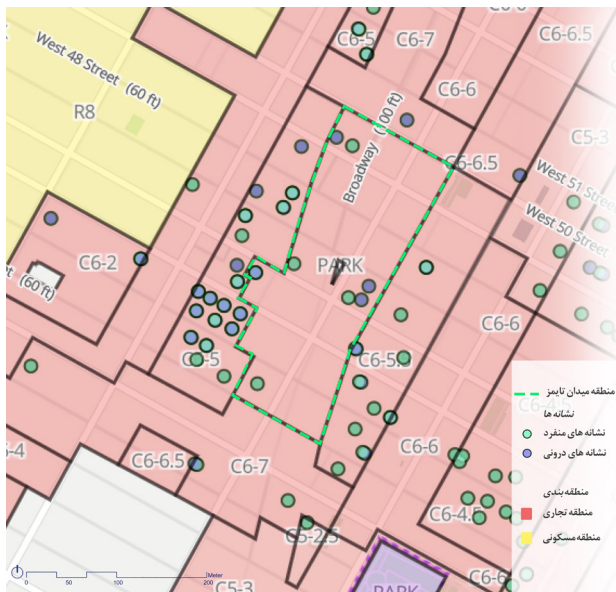
تصویر ۱۵. موقعیت قرارگیری میدان تایمز در محور عملکردی برادوی. مأخذ: www.aucklanddesignmanual.co.nz.



تصویر ۱۴. توده- فضا میدان تایمز در منهن. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۱۶. کاربری اراضی پیرامون میدان تایمز. مأخذ: نگارندگان برگرفته از ZoLa... , 2021.



تصویر ۱۷. منطقه بندی و نشانه های میدان تایمز. مأخذ: نگارندگان برگرفته از ZoLa... , 2021.

(Times Square Alliance, 2017)، از این رو، می توان گفت شمار رویدادها در آن بسیار بالاتر از میدان لستر است و با پرداخت عوارض، تقریباً هر نوع رویدادی اجازه برگزاری می یابد.

بحث

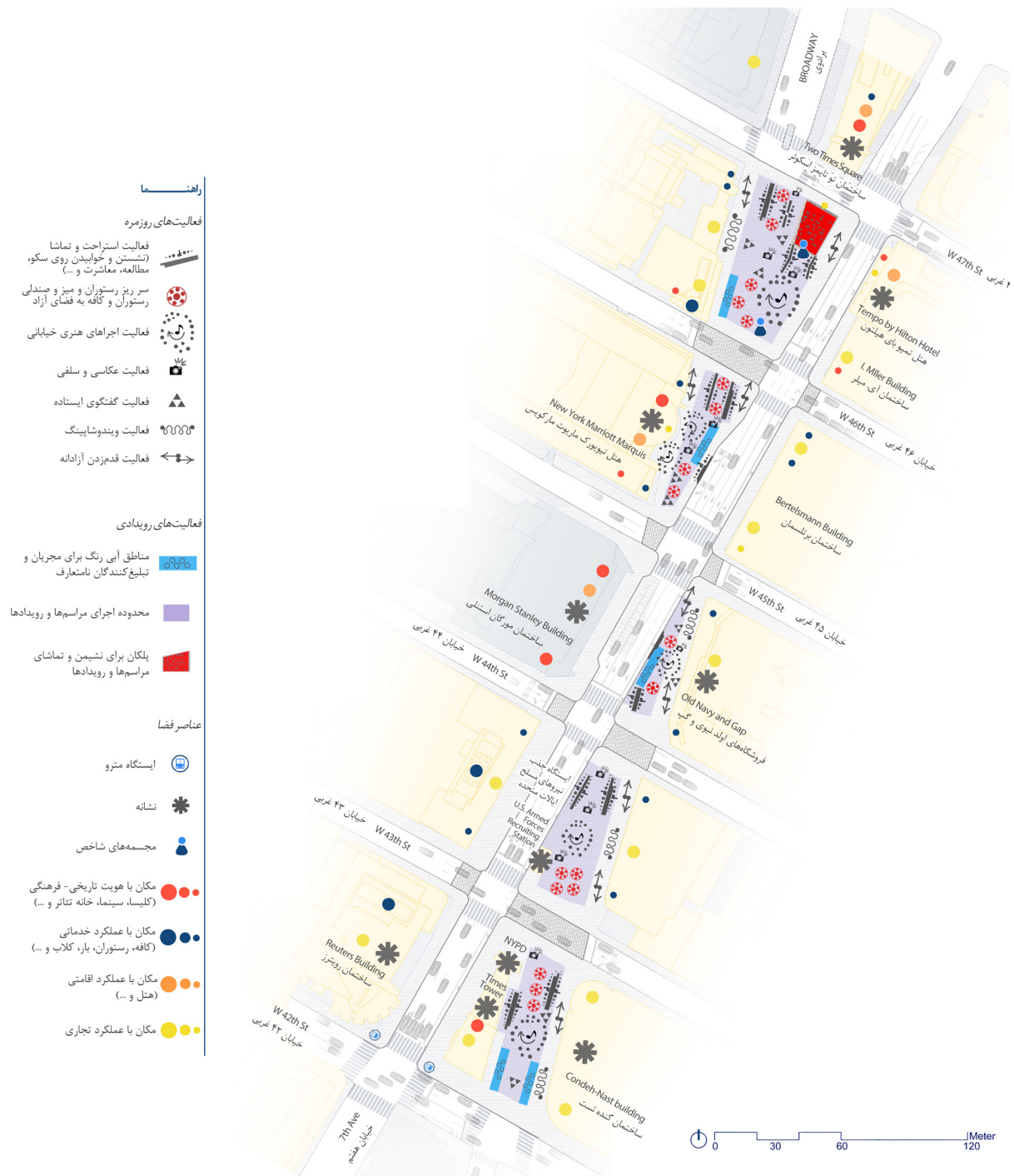
این پژوهش با مطالعه مبانی نظری و مقایسه تطبیقی دو عرصه عمومی نشان می دهد که ضرباهنگ های زندگی همگانی در عرصه های عمومی نه تنها محصول برهم کنش پیچیده عوامل کالبدی، عملکردی، معنایی و اجتماعی است، بلکه عمیقاً به گفتمان فرهنگی-تاریخی و گفتمان مدیریت فضا وابسته هستند. طوری که ممکن است، گاهی عرصه های عمومی بنا به عوامل مختلف فضایی، از الگوهای رفتاری مشابهی در زندگی همگانی

و امکان جابه جایی طبیعی و هدفمند بین مقاصد مختلف را فراهم کرده است (NYC Department of Transportation, 2020). این ویژگی ها، میدان تایمز را به بستری برای حضور اجتماعی گسترده بدل کرده، هرچند شدت مصرف گرایی و تمرکز تجاری آن از میدان لستر فراتر است.

به لحاظ معنایی میدان تایمز همواره از «انرژی» حاصل از ابنیه بلندمرتبه و جریان های پرتحرک انسانی مملو بوده است (Dykers, 2014). هندسه غیر معمول شبیه «پاپیون» و نمایشگرهای الکتریکی خیره کننده از عوامل ذهنی تشدید آن بوده اند. اگرچه علائم تبلیغاتی میدان عمدتاً در خدمت تجارت اند اما به واسطه مشارکت حسی مخاطبان - که با تماشا و لذت از این نمایش، خود را بخشی از کلیتی بزرگ تر می یابند - کارکردی مدنی نیز پیدا می کنند (Carmona et al., 2008).

پیش از بازطراحی، میدان تایمز عمدتاً محل عبور سریع کارمندان و عابران بود و تنها با حضور گردشگران در عصر و شب، تنوع فعالیت ها افزایش می یافت. فرصت های محدودی برای نشستن و توقف وجود داشت طوری که معدود فرورفتگی ها هم چون ورودی هتل ماریوت محلی برای توقف و استراحت و حضور نوازندگان و فروشندگان خیابانی بود (ibid.). پس از بازطراحی، با اختصاص نیمی از میدان به عرصه پیاده، امنیت فضا افزایش یافت و بستری برای الگوهای فعالیتی متنوع ایجاد شد. نیمکت های خطی و تغییرات کف، سیرکولاسیون های حرکتی و تعاملات اجتماعی را تقویت کرده اند، در حالی که صندلی ها و سایبان های متحرک، طیف وسیع تری از فعالیت ها را نیز پشتیبانی می کنند. شمالی ترین بخش از میدان تایمز، شاخص ترین نمود ضرباهنگ های روزمره میدان تایمز است. در آن، مردم روی سقف پلکانی باجه بلیط می نشینند و اجراهای مختلف خیابانی را تماشا می کنند، عرصه های نشستن روی سکوه های خطی نیز همواره مملو از جمعیتی است که بخشی از آن ها در حال عکاسی هستند. گروه دیگر، کاربران میز و صندلی های متحرک در میدان هستند که در حال خوردن و آشامیدن، اجراها و زندگی مردم را زیر نظر دارند. ویندوشاپینگ و نمایش های تبلیغاتی یا نامتعارف در فضای رنگ آمیزی شده^{۴۲} نیز از دیگر الگوهای فعالیتی آن هستند. این الگوها با کمی تغییر در چهار عرصه دیگر میدان نیز تکرار می شوند؛ بخش میانی به اجراهای هنری و تعاملات اجتماعی اختصاص دارد و نواحی اطراف با نیمکت های خطی، محل عبور و پرسه زنی است (تصاویر ۱۸، ۱۹ و ۲۰).

مانند میدان لستر، ضرباهنگ رویدادها در میدان تایمز نیز تحت تأثیر بازطراحی انعطاف پذیر و مدیریت مجوزهاست. ایجاد صفحاتی در مقابل ساختمان های فرصت برپایی رویدادها در میدان تایمز را افزایش داده است، طوری که در طول سال محمل بیش از ۳۵۰ رویداد بزرگ ملی و بین المللی است



تصویر ۱۸. چیدمان فعالیت‌های میدان تایمز. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۱۹. برخی الگوهای فعالیتی در میدان تایمز. (۱) نشستن و تکیه‌دادن به نیمکت‌ها. مأخذ: www.snøhetta.com. (۲) عکاسی. مأخذ: www.snøhetta.com. (۳) نشستن در سرریز کاربری‌ها. مأخذ: www.istockphoto.com. (۴) نشستن بر سکوی TKTS. مأخذ: www.alamy.com. (۵) جریان‌های حرکتی. مأخذ: www.dreamstime.com.



تصویر ۲۰. برخی الگوهای فعالیتی در میدان تایمز، (۱): بازی با تجهیزات تعاملی. مأخذ: www.sohophoto.com، (۲): اجراگران در محوطه رنگ آمیزی شده. مأخذ: www.dailymail.co.uk، (۳): اجراهای هنری خیابانی. مأخذ: www.newyorkcliche.com، (۴): رویداد یوگا. مأخذ: www.newsweek.com، (۵): رویداد سال نو. مأخذ: www.newsweek.com

محیطی آرام و مناسب برای انواع تعاملات اجتماعی و اجراهای هنری خودانگیخته فراهم ساخته است. اما در میدان تایمز، تراکم و شلوغی بیش از حد، همهمه و سروصدای زیاد، تسلط ساختمان‌های بلندمرتبه و کاربری تجاری-اداری، غالب بودن سطوح سخت، فضایی ناآرام ارائه می‌دهد. از این رو، ممکن است مردم در این عرصه عمومی حضور بیابند، روی عناصر نشیمن بنشینند و تعاملات اجتماعی داشته باشند، اما این تعاملات چندان عمیق نمی‌شوند تا فضا پذیرای اجراهای هنری ظریف و خودانگیخته شود.

اما گفتمان مدیریت عرصه عمومی نیز به خوبی بر این موضوع اثر گذار است. یافته‌های کرمونا و همکاران (Carmona et al., 2008) در این زمینه قابل توجه است. آن‌ها با تحلیل تطبیقی دو میدان، استدلال می‌کنند که میدان تایمز نمونه‌ای افراطی از تجاری‌سازی فضای عمومی است که در آن «عمومیت» تضعیف شده، برخی گروه‌های خاص از حضور در فضا طرد شده و نظارت گسترده زندگی اجتماعی کاربران را یکسان و پیش‌بینی پذیر کرده است. در حالی که میدان لستر، به رغم وجود سازوکارهای مدیریتی مشابه، هنوز در جاتی از خودجوشی (ناشی از حضور خودانگیخته هنرمندان خیابانی، نوازندگان، دستفروشان و ...)، تنوع فعالیتی و سرزندگی شهری را حفظ کرده است. باین حال، کرمونا و همکاران هشدار می‌دهند که با پیشرفت نظام مدیریتی در لستر، ممکن است تنش‌های میان شمول و طرد، خودانگیختگی و کنترل، هم‌چنین منافع عمومی و خصوصی افزایش یابد و شخصیت اجتماعی میدان نیز دچار تحول شود.

این یافته‌ها مربوط به پیش از بازطراحی اخیر دو میدان بوده است. از این رو، می‌توان با وضعیت پس از بازطراحی اخیر به مقایسه گذاشت. به طور کلی در شهرهای آمریکایی، اجرای هنرهای خیابانی - به جز مواردی که فاقد تجهیزات خاص نمایشی هستند - نیازمند دریافت مجوز از شهرداری است. پس از بازطراحی میدان تایمز در سال ۲۰۱۰، که بخش‌های قابل توجهی از فضاهای سواره‌رو به پیاده‌راه تبدیل شد، فرایند دریافت این مجوزها تقریباً سهل‌الوصول هستند؛ چراکه شهرداری در پی ترویج استفاده فرهنگی از فضاهای عمومی و نمایش ویتترین موفقیت خود در

(Times Square Alliance, 2017)، از این رو، می‌توان گفت شمار رویدادها در آن بسیار بالاتر از میدان لستر است و با پرداخت عوارض، تقریباً هر نوع رویدادی اجازه برگزاری می‌یابد.

بحث

این پژوهش با مطالعه مبانی نظری و مقایسه تطبیقی دو عرصه عمومی نشان می‌دهد که ضرباهنگ‌های زندگی همگانی در عرصه‌های عمومی نه تنها محصول برهم‌کنش پیچیده عوامل کالبدی، عملکردی، معنایی و اجتماعی است، بلکه عمیقاً به گفتمان فرهنگی-تاریخی و گفتمان مدیریت فضا وابسته هستند. طوری که ممکن است، گاهی عرصه‌های عمومی بنا به عوامل مختلف فضایی، از الگوهای رفتاری مشابهی در زندگی همگانی پیروی کنند، اما تفاوت‌های معناداری در ماهیت این الگوهای رفتاری بنا به گفتمان‌های فرهنگی و مدیریتی مطرح باشد.

بررسی و مقایسه میدان‌های لستر و تایمز، روشن‌گر این مدعا بوده است. این دو عرصه عمومی ضمن برخورداری از الگوهای رفتاری مشابهی هم‌چون حرکت در امتداد لبه‌ها، تمایل به توقف در نقاط امن و دارای چشم‌انداز، جذب فعالیت‌های اجتماعی حول عناصر و رویدادهای جذاب شهری و ... دارای توجهاتی در عوامل مختلف مؤثر در شکل‌گیری ضرباهنگ‌های مطلوب زندگی همگانی هستند. از این رو، می‌توان گفت هر دو میدان تاحدی با ویژگی‌های عرصه‌های عمومی حضورپذیر، سرزنده و سورانگیز مطابقت دارند. باین حال کیفیت تجلی این ویژگی‌ها متفاوت است، به گونه‌ای که به نظر می‌رسد در مقوله سورانگیزی، میدان لستر تجربه‌ای دلپذیرتر و اصیل‌تر از میدان تایمز ارائه می‌دهد. بخشی از آن تحت تأثیر حس و حال کلی فضا و بخش دیگر مربوط به گفتمان مدیریت می‌شود.

میدان لستر به جهت عاری بودن از ترافیک، سروصدا، ساختمان‌های خارج از مقیاس انسانی و درمقابل برخورداری از سیمای صوتی مطلوب، عناصر نسبتاً تاریخی، ترکیب کاربری‌های فراغتی و سرگرمی از نوع هنری تا خوردن و آشامیدن و ترکیب ملایم فضاهای نشیمن، فضاهای گذری و گشایش به سوی باغ مرکزی،

طوری که توانایی هدایت سایر عرصه‌های عمومی در طراحی بهتر در این کیفیات را دارا هستند. در این بین در طراحی عرصه‌های عمومی با حس و حال آرام-دنج و مناسب برای سکون (به‌عنوان مثال عرصه‌های عمومی هنری و نیایشی)، میدان لستر می‌تواند راهنماهای طراحی شهری برجسته‌ای ارائه دهد و برای عرصه‌های عمومی پویا-انرژیک و محمل جریان‌های حرکتی عظیم مردم، میدان تایمز می‌تواند راهنمای طراحی شهری قابل توجهی باشد.

در انتها در پاسخ به سؤال سوم مشخص شد، کیفیت تحقق اجراهای هنری خیابانی به‌عنوان شاخصی گویا عمل می‌کند. طوری که اگر قصد آن باشد «ضربانگ‌های زندگی همگانی» یک فضای عمومی بر مبنای آزمایش تورنسل ارزیابی شود، کیفیت «اجراها» می‌تواند به‌عنوان ملاک کارآمد مورد استفاده قرار گیرد. همان‌طور که وایت (Whyte, 1980) اشاره می‌کند: «جای تعجب نیست که بهترین مکان‌ها باعث بهترین اجراها می‌شوند در نتیجه بیشتر مورد تشویق مخاطب قرار می‌گیرند».

بر این اساس، میدان لستر به‌عنوان عرصه‌ای عمومی با ویژگی‌های سورانگیزی، به‌واسطه اجراهای هنری خودانگیخته و باکیفیت، از ضربانگ‌های مطلوبی بهره‌مند است. در مقابل، این ویژگی‌ها در میدان تایمز به‌صورت محدودتر و کنترل‌شده‌تری بروز می‌یابد. برای ارتقای مؤلفه‌های اجتماعی در میدان تایمز، ابتدا تغییر بینش مدیریتی از نگاه صرفاً تجاری به رویکردهای انسان‌محور و سپس کاهش سروصدای محیطی و ایجاد بستری آرام‌تر می‌تواند زمینه‌ساز تعاملات انسانی عمیق‌تر و با کیفیت‌تری باشد. از سوی دیگر، حفظ و تقویت پیوند میدان لستر با جوامع محلی می‌تواند به استمرار تنوع اجتماعی و پویایی فعالیت‌های خودانگیخته کمک کند؛ امری که ریشه در تاریخ ارتباط تنگاتنگ این میدان با ساکنان محلی‌اش دارد.

در نهایت این پژوهش از آن‌جا که با تلفیق دو بینش (شباهت الگوها و تفاوت‌ها) رویکرد نوینی را در مطالعه ضربانگ‌های زندگی همگانی پیش گرفت، نشان می‌دهد با وجود ائتلاف به‌گفتن‌های انتقادی مبنی بر اولویت عوامل اجتماعی و فرهنگی بر عوامل محیطی در شکل‌گیری الگوهای رفتاری در فضاهای عمومی (مانند دیدگاه لوفور)، نمی‌توان نقش عوامل محیطی بر مطلوبیت ضربانگ‌های زندگی همگانی را انکار کرد، بلکه این عوامل می‌توانند تفاوت‌های کیفی (مانند سورانگیزی خودانگیخته در لستر و کنترل‌شده در تایمز) ایجاد کنند. این بینش می‌تواند در پژوهش‌های آتی از طریق روش‌های کیفی مانند مصاحبه و بررسی تجربیات زیسته شهروندان، برای درک عمیق‌تر تعامل بین عوامل محیطی و رفتاری، مورد بازاندیشی و آزمون قرار گیرد.

اعلام عدم تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافعی برای ایشان وجود نداشته است.

بازآفرینی این عرصه‌هاست. این سیاست، به‌ویژه در زمینه جذب هنرمندان خیابانی و ایجاد بسترهای مناسب برای اجرا، تاکنون موفق عمل کرده است. با این حال، در مرحله بعد، BID میدان تایمز، که مالکان بخش خصوصی در آن نقش پررنگی دارند، موقعیت‌های ویژه هر اجرا را تعیین می‌کند - که همان نواحی رنگ‌آمیزی‌شده در بازطراحی اخیر هستند. در این فرایند، گاه اجراهای غیرتجاری به حاشیه رانده می‌شوند تا تصویری «منظم» و «سودآور» برای گردشگران و سرمایه‌گذاران ترسیم شود. از این رو، اگرچه میدان تایمز پس از بازطراحی و پیاده‌راه‌شدن بخشی از آن، با بهبودهایی در زمینه ایمنی و افزایش فرصت‌های فعالیت اجتماعی همراه بوده است، اما همچنان نمونه‌ای از یک فضای عمومی کالایی‌شده باقی مانده است که در آن اجراهای هنری، بیشتر ماهیت برنامه‌ریزی‌شده دارند.

اما در میدان لستر، تأمین مالی BID بر عهده مستأجران یا کسبه فعال در میدان است؛ مسئله‌ای که پیامدهایی مثبت و منفی به همراه دارد. از جنبه منفی، این الگو موجب تمرکز مدیریت فضا بر جذب گردشگر و افزایش درآمدهای تجاری می‌شود. در مقابل، از منظر مثبت، کسبه و مستأجران به جهت حضور مستمر در عرصه عمومی -نسبت به مالکین که بازیگران اصلی BID تایمز بودند- به جامعه محلی نزدیک‌تر هستند. از طرفی BID میدان لستر بخش عمده‌ای از توانایی و اثربخشی‌اش تحت تأثیر شورای محلی وست‌مینستر است. این رابطه نزدیک بین BIDها و شوراهای محلی^{۴۳}، از ویژگی‌های BIDهای انگلیسی است. این ساختار موجب می‌شود هرگز به آن درجه از قدرت و استقلال از دولت محلی -مانند میدان تایمز- دست نیابد. مجموع این عوامل سبب‌شده پیش‌بینی گرم‌تر و همکاران نسبت به آینده پیش روی میدان لستر مبنی بر تغییر شخصیت آن به سمت کالایی‌شدن، علیرغم وجود روندهایی در بازطراحی اخیر در تأیید این پیش‌بینی (از جمله تبدیل قطعات خرد به فروشگاه‌های بزرگ زنجیره‌ای پیرو همگن‌سازی فعالیت‌ها)، کماکان کاملاً محقق نشده‌اند و اجراهای هنری خودانگیخته، به‌خوبی در این عرصه عمومی در جریان باشند.

نتیجه‌گیری

در این نوشتار سؤال نخست پژوهش با صورت‌بندی مؤلفه‌ها و عوامل مؤثر در شکل‌گیری ضربانگ‌های عام زندگی همگانی پاسخ داده شد. در این زمینه افزوده‌شدن دو مؤلفه تکامل‌تدریجی و مدیریت فضا، به مؤلفه‌های متقدم، بینش نوینی در جهت قابلیت انعطاف و انطباق عرصه‌های عمومی با نیازهای متغیر جوامع ارائه داده است.

در پاسخ به سؤال دوم، ضربانگ‌های عام زندگی همگانی در دو عرصه عمومی لستر و تایمز براساس چارچوب تدوین‌شده مطالعه شد و مشخص ساخت هر دو عرصه تاحدی با ویژگی‌های عرصه‌های عمومی حضور‌پذیر، سرزنده و سورانگیز هم‌خوانی دارند،

پی‌نوشت‌ها

۱. در این پژوهش منظور از ضرباهنگ/ ریتم زندگی همگانی، الگوهای رفتاری تکرارشونده در عرصه‌های عمومی است که تحت تأثیر عوامل مختلف شکل می‌گیرند.
۲. The rhythms of plaza life are much alike from place to place.
۳. Regularity of Place
۴. Place Ballet
۵. در واقع این رقص و اجراست که از زندگی واقعی تقلید می‌کند و نه برعکس.
۶. Raised Decks
۷. Sunken Plazas
۸. People Come Where People Are: ضرب‌المثل قدیمی اسکاندیناوی
۹. Blandness
۱۰. Vitality
۱۱. اگر فعالیت‌ها و مردم گرد هم آیند برای تک‌تک وقایع این امکان وجود دارد که یکی دیگری را برانگیزد و تحریک کند (Gehl, 2001).
۱۲. Conviviality by Design
۱۳. Place-Temporality and Urban Place-Rhythms
۱۴. مردان کنار هم ساکت و دوستانه می‌ایستند و منظره عابرین را تماشا می‌کنند. سپس یکی از آن‌ها آهسته و آهنگین این‌پا و آن‌پا می‌کند، اول روی نوک پا و بعد روی پاشنه می‌ایستد. او که از حرکت باز می‌ایستد، یکی دیگر همین کار را می‌کند. یکی از مردها نیمی به‌راست می‌چرخد، سپس بعد از وقفه‌ای آهنگین، دیگری با چرخش به چپ پاسخ می‌دهد، گویی نوعی ارتباط معنادار رخ می‌دهد (Whyte, 1980).
۱۵. خوراکی و نوشیدنی آل‌فرسکو لذت‌حسی زیادی ارائه می‌دهد، شاید به‌عنوان میراث‌دار شکارچی-گردآورنده، به میراث‌مان‌باز می‌گردیم (Shaftoe, 2012).
۱۶. Conviviality: منظور از سورانگیزی تجربه حسی و شور و حالی است که از اجراهای هنری در عرصه عمومی ایجاد می‌شود.
۱۷. یک بعلاوه یک می‌شود سه (Gehl, 2001).
۱۸. Animation
۱۹. Bend with the wind: انعطاف‌پذیری و سازگاری با حوادث سخت
۲۰. Pruned and grafted: هرس اجازه می‌دهد تا قسمت‌های درختان تصمیم‌گیری وضوح بیشتری داشته باشند و پیوند زدن گره‌هایی را به درختان تصمیم اضافه می‌کند تا دقت پیش‌بینی را افزایش دهد.
۲۱. Adapt to the prevailing conditions
۲۲. See what happens
۲۳. Commodification, Control and Exclusion
۲۴. Loitering Space
۲۵. Behavior Settings
۲۶. Patterns of Behavior
۲۷. Alamy
۲۸. Getty Images
۲۹. Shutterstock
۳۰. iStock
۳۱. Architizer
۳۲. Street View
۳۳. در میدان لستر حیطه دوم به بازطراحی سال ۲۰۱۲ آن مربوط می‌شود که بخشی از طرح «فضاهای باز عالی» (Great Outdoors Scheme) و در راستای میزبانی لندن از المپیک بود. هدف از این بازطراحی در ارتقای قابلیت‌های اجتماعی و رویدادی میدان بوده است. در میدان تایمز حیطه دوم مربوط به بازطراحی آن طی حدود پنج سال (۲۰۱۰-۲۰۱۵) در پنج فضای مثلثی، توسط دفتر اسنوهتا (Snøhetta) می‌شود. هدف آن ارتقای کیفیت مکان برای گردشگران و افراد محلی، عابران پیاده و دوچرخه‌سواران و کاهش موانع ترافیکی بوده است.
۳۴. Central London
۳۵. Late-Night Hedonistic Area
۳۶. Business Improvement District
۳۷. Heart of London

- ۳۸. Terraces
- ۳۹. Swiss Clock Court
- ۴۰. Desnudas: اجراگران با نقاشی روی بدن در فضای عمومی
- ۴۱. Commercial
- ۴۲. Activity Zones
- ۴۳. Local Councils

فهرست منابع

- Alexander, C. (2004). *Sustainability and morphogenesis is the rebirth of a living world; an expanded version of the Schumacher Lecture*. Centre for Environmental Structure.
- Alexander, C., Ishikawa, S., & Silverstein, M. (1977). *A pattern language*. Oxford University Press. https://books.google.com/books/about/A_Pattern_Language.html?id=hwAHmktpk5IC
- Auckland Council. (2020). *Auckland design manual: Testing Times- Interim Projects Secure Long Term Rewards*. Auckland Council.
- Balsas, C. J. L. (2019). *Walkable Cities*. State University of New York Press. <https://doi.org/10.15159781438476292/>
- Banerjee, T. (2001). The future of public space: Beyond invented streets and reinvented places. *Journal of the American Planning Association*, 67(1), 9–24. <https://doi.org/10.108001944360108976352/>
- Berman, M. (1999). Too much is not enough: metamorphosis of Times Square. In L. Finch & C. McConville (Eds.), *Gritty Cities: Images of the Urban*. Pluto Press.
- Brand, S. (1994). *How buildings learn: What happens after they're built*. Penguin.
- *Building Living Neighbourhoods*. (2021). Living neighbourhoods. <https://www.livingneighbourhoods.org/ht-0/bln-exp.htm>
- Canter, D. V. (1974). *Psychology for architects*. Applied Science Publishers.
- Canter, D. V. (1977). *The psychology of place*. Architectural Press. https://www.researchgate.net/publication/232600712_The_Psychology_of_Place
- Carmona, M. (2003). *Public places - Urban spaces*. Routledge. <https://doi.org/10.43249780080515427/>
- Carmona, M., Magalhães, C. de, & Hammond, L. (2008). *Public space*. Routledge. <https://doi.org/10.43249780203927229/>
- City of Westminster. (2002). *Leicester Square action plan*. City of Westminster. https://www.google.com/url?sa=t&source=web&rct=j&opi=89978449&url=https://www.westminstertransportationservices.co.uk/UserFiles/File/LSAP_Summary.pdf&ved=2ahUKEWj5r1r3jdaRAxU21AIHHT0BAwAQFnoECBcQAQ&usq=AOvVaw1gLO0UnJNTXO__KUd5nJWA
- City of Westminster. (2006). *Draft supplementary planning guidance for entertainment uses*. City of Westminster.
- City of Westminster. (2008). *Putting the spotlight on*

Leicester Square. City of Westminster. https://www.westminstertransportationservices.co.uk/UserFiles/File/Leicester_SQ_Revised_Composite_Jan_2008.pdf

- City of Westminster. (2011). *Westminster Way- Public realm strategy Design principles and practice*. City of Westminster. https://www.westminster.gov.uk/sites/default/files/media/documents/Westminster_Way_Public_Realm_Strategy_Adopted_September_2011_0.pdf
- Cullen, G. (1961). *Concise townscape*. Routledge. <https://doi.org/10.43249780080502816/>
- Duttman, M., Schmuck, F., & Uhl, J. (1981). *Color in townscape*. Architectural Press.
- Dykers, C. E. (2014). *Snøhetta Times Square renovation*. Archdaily. <https://www.archdaily.com/70815/times-square-reconstruction-project-sn%25c325%b8hetta>
- Felson, M., & Clarke, R. V. (1998). *Opportunity makes the thief: Practical theory for crime prevention (Police Research Series Paper No. 98)*. Research, Development and Statistics Directorate, Home Office. <https://www.scrip.org/reference/referencepapers?referenceid=2830638>
- Future City Ltd. (2020). *Cultural heart of London: Cultural strategy*. Heart of London Business Alliance. <https://holba.london/content/files/HOLBA-Cultural-Strategy.pdf>
- Ganji, F., & Rishbeth, C. (2020). Conviviality by design: the socio-spatial qualities of spaces of intercultural urban encounters. *URBAN DESIGN International*, 25(3), 215–234. <https://doi.org/10.1057/s412894-00128-020->
- Gehl, J. (2001). *Life between buildings: Using public space*. Danish Architectural Press.
- Gehl, J. (2010). *Cities for people*. Island Press.
- Gehl, J., & Gemzoe, L. (1996). *Public spaces, public life*. Danish Architectural Press.
- Gehl, J., & Svarre, B. (2013). *How to study public life*. Island Press. <https://doi.org/10.58220-525-61091-1-978/>
- Gehl, J., Risom, J., & Day, J. (2015). *Times Square: The naked truth*. The New York Times. Retrieved from <https://www.nytimes.com/201531/08//opinion/times-square-the-naked-truth.html>
- Goffman, E. (1963). *Behavior in public places*. The Free Press.
- Habibi, M., & Barzegar, S. (2018). The criteria for 'rhythmanalysis' of everyday life in social production of urban space based on research experiments. *Soffeh*, 28(2), 47–64. https://soffeh.sbu.ac.ir/article_100436.html
- Hillier, B., & Hanson, J. (1984). *The social logic of space*. Cambridge University Press. <https://doi.org/10.1017/CBO9780511597237>
- Jacobs, J. (1961). *The death and life of Great American Cities*. Random House.
- Kaplan, R., & Kaplan, S. (1989). *The experience of nature: A psychological perspective*. Cambridge University Press.
- Lefebvre, H. (1991). *The production of space* (D. Nicholson-

Smith, Trans.). Blackwell. (Original work published 1974)

- Lefebvre, H., & Regulier, C. (1986). Essai de rythm analyse des villes mediterraneennes. *Peuples Meditteraneens*, 37.
- Madanipour, A. (1996). *Design of urban space: An inquiry into a socio-spatial process*. John Wiley & Sons.
- Madanipour, A. (2003). *Public and private spaces of the city*. Routledge. <https://doi.org/10.43249780203402856/>
- Marsh, P. (1990). *Lifestyle: Your surroundings and how they affect you*. Sidgwick & Jackson.
- Mitchell, D. (2017). People's Park again: on the end and ends of public space. *Environment and Planning A: Economy and Space*, 49(3), 503–518. <https://doi.org/10.11770308518/X15611557>
- Montgomery, J. (1998). Making a city: Urbanity, vitality and urban design. *Journal of Urban Design*, 3(1), 93–116. <https://doi.org/10.108013574809808724418/>
- Mumford, L. (1964). *The highway and the city*. UK publication.
- NBC News Learn [Nbclearn]. (2020, September 26). *NBC News Learn- Times Square: Designing for crowds in the crossroads of the world* [video]. YouTube. https://www.youtube.com/watch?v=P_HGyjfvMVk
- Norberg-Schulz, C. (1974). *Existence, space & architecture*. Praeger.
- NYC Department of Transportation. (2020). *Next steps for Broadway*. NYC DOT. <https://www.nyc.gov/html/dot/downloads/pdf/broadway-union-sq-columbus-circle-cb5-jan2020.pdf>
- Oldenburg, R. (1999). *The great good place*. Hachette Books.
- Rapoport, A. (1977). *Human aspects of urban form*. Pergamon.
- Rapoport, A. (1990). *The meaning of the built Environment*. University of Arizona Press. https://books.google.com/books/about/The_Meaning_of_the_Built_Environment.html?id=bn_7_UFABdUC
- Relph, E. (1976). *Place and placelessness*. Pion Limited.
- Rudofsky, B. (1964). *Architecture without architects*. Academy Editions.
- Seamon, D. (1979). *A geography of the lifeworld: Movement, rest, and encounter*. Croom Helm.
- Shaftoe, H. (2012). *Convivial urban spaces*. Routledge. <https://doi.org/10.43249781849770873/>
- Tibbalds, F. (2012). *Making people-friendly towns*. Taylor & Francis. <https://doi.org/10.43249780203469521/>
- Times Square Alliance. (2007). *Annual report*. Times Square Alliance. [https://cdn.prod.website-files.com/66164ec19113caa1f66178a/670fd525cf83b1bc87dc5a96_2007AnnualReport%5B15%D_02%20%\)-compressed.pdf](https://cdn.prod.website-files.com/66164ec19113caa1f66178a/670fd525cf83b1bc87dc5a96_2007AnnualReport%5B15%D_02%20%)-compressed.pdf)
- Times Square Alliance. (2015). *A guide to art + Architecture + Design in Times Square*. Times Square Alliance.
- Times Square Alliance. (2017). *Times square celebrates*

official spring opening of new pedestrian plazas. NYC.

- Urban Nous [UrbanNous]. (2018, April 26). *Leicester Square Quarter Redesign. Reconciling history and modernity* [video]. Youtube. https://www.youtube.com/watch?v=aMn_rNKy-K0
- Whyte, W. H. (1980). *The social life of small urban spaces*. Project for Public Spaces.
- Woolley, H. (2003). *Urban open spaces*. Taylor & Francis. <https://doi.org/10.43249780203402146/>
- Wunderlich, F. M. (2013). Place-temporality and urban place-rhythms in urban analysis and design: An aesthetic akin

to music. *Journal of Urban Design*, 18(3), 383–408. <https://doi.org/10.108013574809.2013.772882/>

- Zekavat, K., & Dehghan, Y. S. (2017). Dimension to develop quality in public realm and a management model for creation of places. *Armanshahr Architecture & Urban Development*, 9(17), 215–224. https://www.armanshahrjournal.com/article_44622.html
- *ZoLa New York City's Zoning & Land Use Map*. (2021). NYC Planning. <https://zola.planninglabs.nyc/about#9.72-73.733/40.7125/>

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله:

سخن پرداز، کامران و صحافی اصل، پریسا. (۱۴۰۴). بررسی سنت نمونه برداری در نگارگری ایرانی - اسلامی بر پایه نگاره های «جوان زانورده». *باغ نظر*، ۲۲ (۱۵۲)، ۴۳-۶۰.

DOI: [10.22034/bagh.2025.537783.5867](https://doi.org/10.22034/bagh.2025.537783.5867)

URL: https://www.bagh-sj.com/article_233313.html

